

اولیای دولت علیه را از خود خرسند و راضی داشته در انجام خدمات خود مراتب اتهامات خود را اظهار  
 لهذا منای دولت علیه حسب الامرهایون اورا منصب حلیل جمید وارباشیکری و مبارشری جبهه خانز مبارک  
 فرموده یکطاشان ترید و یکتوب قبای رزی لجا بیجا مشاره الیه از صند و قحانه مبارکه خلعت مرحمت شد  
 (چنانکه در روزنامه های ساسانه مطبوعه در آن خلاصه الباطن منگاشته شده در باب فقره ملک شستن رعایای دول  
 در ایران فیما بین دولت ایران و دولتی که امروز کماله اولاد محبوب میشود عهدنامه واضح مفصل زبان داری است  
 عهدنامه صحیح نوشته شده است که ملک شستن رعایای دولت خارج در ایران موقوف است باذن سرکار علیحضرت  
 اقدس بایون شاهنشاه دامت شوکته و رضای رعیت و مالک که اگر یکی ازین شرط منقود شود مشروط است  
 و از رعایای دول خارج احدی در خاک ایران مالک مکی نیست که قبل از حصول شرایط طایفه تحصیل مکی کرده باشد  
 اعلام میشود که رعایای دول خارج بر حسب عهدنامه ملک مکی نمی شود در ایران بدون حصول این شرط و اگر در ضام  
 بر ملک شستن رعایای دول خارج راضی بشود و مکی با و بفرود شد رعیتی که در آن ملک است راضی نشود مشروط است  
 چنانچه بر فرض رعیت هم رضایا یعنی بدین اذن و اجازه سرکار علیحضرت شاهنشاهی در ملک شستن رعایای دول  
 که موافق عهدنامه شرط عظیم است در آن ضمن نباشد هرگز اولیای دول نیستند تصدیق و امضا بر ملک شستن  
 رعایای دول خارج در ایران داشته باشد اگر حکام ولایات که عالم موضوع منگاشته بوده در باب ملک شستن رعایای  
 دول خارج قبی و حکمی سفارش نماید بطور یا هر قسم باشد بدین یکی از آنها داده یا یا ندانسته از راه عدم حضور و یا  
 بر بند چون قبول و تصدیق این عمل مختص وجود اقدس بایون علیحضرت شاهنشاهی و اولیای دولت علیه است  
 آن حکام و نوشتجات ابدی محل اعتبار نخواهد بود پس منحصراست این کار با مضای نفس نفس بایون و قبول اولیای دول  
 بعد از عرض بنجاکامی بایون حسب الامر مضامنه بوده با نوشتجات حکام ولایات و پیکاران ایشان بیسوجه کافی نبوده  
 سخاوت بود) (بعد از انعقاد عهدنامه دوستی فیما بین روسین ذی شکتین ایران و انگلیس منافی اتحاد و دوستی از طرف  
 کافیه اولیای دولت علیه یونان و فیوچیان درجه حکام می پذیرد که میتوان گفت از مراتب مودت و مصافحت  
 این دو دولت بالاتر و کافیه منسپا و منظور اولیای این دولت دائما در انجام اظهارات حقه و مطالب حسابی جناب  
 جلالت آسب چارلس می وزیر مختار و همچنین مخصوص دولت انگلیس است چنانکه بعد از ورود سفارت انگلیس بدربار بایون  
 و عمل آمدن تشریفات لازمه اول مجلسی که مابین جناب شرف امجد ارفع و جناب جلالت آسب وزیر مختار انگلیس در باب امور  
 دولتی اتفاق افتاد تقدیری خوشحالت و بقاعده آن مجلس گشت و مایه حصول ضمای طرفین شد که اسید کلی حاصل است  
 که بهین سبب اگر حرکت شود بانگ مانی پایبودت از اول که عبارت از عهد خاقان مغفور با تمبر بالانترود و علاقه  
 کمونات اولیای دولت علیه هم که در رعایت مولات آن دولت بجناب این الملک فتح خان پیکر است علیه السلام و تعالی و بحال

۲۲۴۹

که از پاریس دوباره بلژیک برود اگر بواسطه بیانات کافی خود با ولایای دولت انگلیس واضح نماید ایشان نیز  
بر مراتب نیکو ای حسن طوبی خودشان در رسیدن اس دوستی و کجوتی جانین خواهند افزود که پایه بگرگی و موت  
طرفین بد وجه اعلی که داشته شود (جناب حیدر افندی شارژ دفتر دولت عثمانی مقیم در بارهای یون که  
از جانب دولت متبوع خود موقتاً احضار و روانه شد روزی که برای حصول شخصی شرفیاب حضور بمایون ملوکانه  
گردید احضار خود و مأموریت جناب توفیق افندی را بسمت شارژ دفتری جناب خود بطوریکه معمول است در  
عنابت دستگاه ملوکانه عرض داشت پس از شخصی از حضور محترم طوبی یون رسماً با جناب شرف امجد  
ارفع صدر اعظم طاقت نمود عجز بسمت خود و مأموریت جناب رالیه را بطور مستور اظهار کرده و بعد بمنزل جناب  
فحامت نصاب ویزر دول خارج آمده جناب معزی الیه را از مراتب مسطوره رسماً اطلاع دادند چند روز بعد که  
بمقام ذیحجه الحرام بود جناب حیدر افندی روانه مقصد شد نه بجاست اتحاد و این سلام حسن رفتار و خیر خواهی  
او از جانب اولیای دولت علیه الحکام در سفارش عمل آوردن بجهت احترام جناب شرف امجد و این حکام  
راه صادر و عالیجا مرتضی خان غلام باشی وزارت امور خارج بمکانداری ایشان مأمور و با تفاق معزی الیه روانه  
گردید که در منازل عرض راه از فرار دستورالعمل اولیای دولت علیه الحکام عرض راه عالی سرحد آذربایجان مراسم  
اکرام و استراحت او را بطل آوردند و جناب توفیق افندی در غیاب او موقتاً منصب شارژ دفتری در دربار معدت ملوکانه  
بمایون اقامت کرد) (چون فرار داد اولیای دولت قوی شوکت علیه بر این است که در هر ولایتی از  
ولایت مالک محروسه و کیلی از جانب رعیت برقراری نمایند که حکام بی اطلاع و صوابیداد و حواله و اطلاق  
بر رعیت نکنند و از اجافات اخبار امصون و محفوظ دارد از خود در کاشان این منصب از قدیم الایام  
و سلاله نسل از فرار از این سلاطین سلف و خلف نتمی بجایگاه محبت مسرعه خلاصه الاعیان میرزا  
وکیل الرعا یا شده بود در این اوقات که اولیای دولت جاوید مدت علیه تاکید و اتهام زیاد درین باب  
داشتند از جانب سنی السجانب ملوکانه بکثرت چه تره برسم طاعت در حق مشا رالیه رحمت و عنایت  
فرمودند که منصب قدیم او تجدید یافته بر اسم مأموریت خود پردازد و از اختلاف طهران اموز  
شهر دار اختلاف مبارکه که بعد التذاز بهر حیثت فرین نظام است نوابک میباشند تازه و الا بتا محمد تقی میرزا حکمران  
در متفر حکمرانی خود و سایر کارگذاران دیوانی متوقف دار اختلاف و سران و صاحب منصبان نظام هر یک  
دیوانی ارک و منازل خودشان بنظم امور متوجه و انجام فرمایشات دیوانی پردازند امور حفظ و سحر محلات شهر  
در بحال نظم است و کسی قدرت سرقت و شرارت و خلاف حساب ندارد و نهایت فرور کینه نعمتی بجهت

۲۲۵۰

### سایر ولایات

عربستان از قراریکه در روزنامه ایولایت نوشته اند خلعت مهر طلعت بجایون که از جانب شیخ ابوالحسن  
اندلس لوکانه بافتی رنواب مستطاب بنزاده و الا بتاسام الدوله خانلر میرزا حکمران عربستان و ارستان  
و پرورد بختیاری مرتشد بود در چهارم ماه ذی قعد که نواب معسری الیه در خارج شوشتر از ودا  
بایجا پرتو وصول کنند نواب معسری باخوانین و سران سپاه و صاحب منصبان نظام و اعیان و اشرا  
شهر و شیخ اعراب تا خلعت بون با استقبال شتافه لوازم تو قیر و احترام خلعت بجایون را بعین آورد  
زیب برود و شش اشجار خود نمودند و اجرای شلیک توپ بعمل آمد بعد از ادای مراسم سکر گذاری حضرت  
شربت و شیرینی نموده روانه شهر گردیدند و هم در آن روز عالیجا خان شیخ فارس خان کو میرزا  
پیشکار عربستان منعقد گردیده حسب الامر نواب معسری الیه با انجام امور محوله بجز دما مور گردیدند و همچنین  
شیخ سلطان حاکم راهبر نیز برای تقریر محاسبات خود آمده بود بعد از رسیدگی به محاسبات او  
از حسنک ادبار غایب که معلوم شد رعایای نیز از حسن سلوک و معقولیت او کمال رضامند برادارند و  
معسری الیه یک طاقه کشمیری و یک طاقه کشمیری و یک قبضه شمشیر و خلاف طلا که خلعت مقرره  
بود با خلعت داده روانه راهبر میرزا دستور العمل بداد نمودند و قرار امور عالیجا شیخ فارس خان را  
در حکومت چیب داده یک قبضه شمشیر و خلاف و کل طلا و دو طاقه شال و یک جبه کشمیری که خلعت  
بر سه عالیجا پشار الیه بود با خلعت داده بنظم امور آن صفحات روانه نمودند و فوج بیات ابوالحسن  
محمد مراد خان زرندی را نیز رسان دیده مواجب نفی آنها را از قراریکه اولیای دولت علیه حکم کرده  
با آنها تقدیم کرده و فوج مرپور را روانه ارستان نمودند که تا ورود نواب معسری الیه با انجام  
خدمات لازمه اولایب باشند با بجز امور آن صفحات را نظم کامل داده اند و حکام و مباشرین هر یک از  
مجال و حدود اولایت را معین و نامور نموده از اینجا غنیمت صفحات ارستان و انتظام امور پرورد  
بختیاری را داشته اند عراق از قراریکه در روزنامه عراق نوشته اند امور اولایت از هر  
نظم و رعایا و برابری جاه حال و فراغت بال کار و شغل و عیسی خود و دعا کوئی ذات بهمال اندس  
بجایون شاهنشاهی مشغول اند مقرب انخاقان میرزا حسن خان حاکم عراق در نظم ولایت و رفاه حال  
رعیت و انجام خدمات دیوانی و رسیدگی بعضی دوا در عالیجا کمال مراقبت و موافقت را بعمل می آورد  
و حکام و که خدایان و مباشرین بلوکات قدغن آید نموده است که بار عالیجا بطور خوب سلوک نمایند و اگر  
کسی از مباشرین نسبت عیسی تعدی و بی حسابی نماید مستوجب مواخذة و ترحمان خواهد بود ازین  
رعایا آسوده خاطر سرگرم عیسی خود هستند

۲۲۵۱

فارس از فرار یک در روز نامه فارس نوشته اند امور آن ولایت از حسن مراقبت تو است مطابقت  
 حکم آن مملکت فارس در کمال تنظیم است و تو است مغزی الیه عرض و داد مردم و نظم ولایت و رفاه حال  
 رعیت و انجام خدمات دیوانی اهتمام داشته هر روز در دفتر حکومت نشسته امور جمهور را فیصل میدهند  
 و بر ابا آسوده خاطر بکار و کسب و عیشی خود و دعا گوئی ذات اقدس تعالی بپوشانند ای خدای تعالی که سلطنت  
 مشغولند غله و حبوبات از هر گونه بجهت اللہ در کمال و نور و ارزانی است مگر چون که بجهت دو آب قشون زیاد  
 میشود قدری تسخیر وارد آن هم گمان دارند که تزلزل کند و از آن بشود بجهت اینکه هنوز جو و گندم تازه از بلوکا  
 بشهر نیامده اند و ضرر منهارا خورد نگردند اند آنچه بفرشش میروند غله گند است که از انبار در می آورند  
 (دیگر نوشته اند که آقا سید زین العابدین ششمار طفل دو ساله دارد ماری آمده بود از پیش روی او بگذرد  
 طفل دست یازیده سر مار را گرفته و بدین که داشته فوراً جویده بود بطوریکه مار را لاک کرد پدر و مادرش  
 مشاهده این حالت مضطرب و قطع در رفتن طفل داشتند وقتی بسر وقت آمدند که کوه را سلم و ما  
 گشته و دیده عیالات شکر الهی بجا آوردند این معنی از غریب اتفاقات و سبب زیاد اعتقاد الهی فارس در حق  
 پدر آن طفل گردیده احترام او را رعایت میدارند) (عالیجاه مقرب انجان علیقلی خان سرتیب فوج خرقانی  
 در بیت و سیم ماه گذشته ذیقعد الحرام با فوج خود روانه دربار معدلت مدارهایون گردید چون در آنجا  
 توقف در فارس فوج را با کمال نظم راه برده و بانهایت معقولیت و کفایت حسن سلوک با امانی ولایت  
 راه رفته بود و رعایا کمال رضامندی را از او داشتند تو است نیز او را اظهار القات زیاده نمود و وجه  
 با و خلعت دادند و تدارکات و سیورت منازل عرض راه نیز حسب احکام ارکار گذاران دیوانی در آنجا  
 گرفته بفرج داده و فوج را از آنجا حرکت داد که بر رعایای منازل عرض راه بسبب سیورت از فوج مزاحمت نرسد  
 (عمده الامراء العظام مهر علیخان شجاع الملک از اردوی برار جهان در دوازدهم ماه فروردین حرکت نمودند  
 و در چهار راه پارس فرسخی شیراز گردید چند روز در آنجا ابداع ارم توقف کرده و سیلخ ماه ذیقعد وارد  
 شد اعیان و اشرف ولایت و خواجهین و ارباب مناصب و صاحب منصبان نظام لوازم استقبال را بجا آوردند  
 بعد از ورود بشهر حضور تو است مستطاب براده و اوقاتا روید الله و له شرفیاب شد از آنجا بخانه خود رفت  
 و عالیچان محمد قلیخان سرتیب فوج خاصه و لطفعلی خان سرتیب فوج ششم تومان اول که همراه او بودند با  
 فوجهای خود در پیرون شهر شیراز چهار روزه توقف دارند) (تو سپهان متوقف شیراز و فوج نهادی  
 هر روزه در میدان توپخانه و میدان شش حاضر شد مشغول مشق نظامی میباشند و از جانب صاحب منصبان  
 نهایت اهتمام در مشق آنها بعمل می آید

۲۲۵۲

اخبار دول خارجه

حکد از ان فرنگستان سیاحتان در دول سايره رسما و غير رسم معمول و در صورت من غير رسم  
 آنها قطعاً پذيراني و معاوضه حكمايى سرعى نبودن از اصول قديمه فرنگستان است اعليحضرت اميرالطو را  
 كه در زمان احتلال چند سال پيش ازين استرته و مجارستان از حكومت استغفا کرده و اعليحضرت اميرالطو را  
 استرته را همچاى خود نشانده و از نزو اختييار فرموده و موسوم به ديان ميشد و دستال قبل ازين با  
 اميرالطو را خود غزيت سياحتى من غير رسم بشهر استود غره كه مقر قراليت دولت و ارتبوع است  
 و بعد ولست مزبور اعلام و خواهش كردند كه در روز ديشان بهما سخاانه اولايت ادب احترام استرته حكومتى  
 بعد از ان بصورت تبديل روانه اولايت كرده اند قرال و ارتبوع نيز قبل از ورود ديشان فرستاده  
 و خطوطى كه بر سر در ب مها سخاانه رسماً ميكشند كلاً قطع و محو كردند و پير بزرگى حكومتى  
 خود داد نوشته مها سخاانه اميرالطو را اعليحضرت اميرالطو را قى كه وارد شهر مزبور كرده اند غير از همان  
 مها سخاانه ديگر بغير نشان نيامد در انجا ركاس كه فرود آمدند و داخل عمارت شد قرال دولت مزبور نيز خود  
 بصورت صاحب مها سخاانه و عيال و خدم او بصورت پلنگ و خدمتكارش آمدند و اصحاب مزبور عمل خود را  
 بدين پنج اميرالطو را استقبال كرده از قيمت ناكولات اجرت منزل و غير تقطيس و بيان عمل آمده  
 اطافى شدند اعليحضرت اميرالطو را حر كات و اطوار آنها در يافت نمسى كرده ولى نسبت انكاستند و  
 در انجا بمر بروه صبح و ج ناكولات اجرت مها سخاانه را بدست قرال مزبور تسليم نموده بجا كه سوار شده  
 سر و كين دولت مزبور نيز با وزير امور خارجه دولت بينات تلوك و خدمتكار همراه اميرالطو را سهر خدولا  
 خود آمده بودند در اين اوقات قرال سقا نيه نيز من غير رسم غزيت خود را بجزى مقر حكومت دولتها  
 ديگر و اينكه در حق او اداب ستمه بعل نياورند اعلام كرده است و مكان دارند كه در حق او نيز همانطور محاطه  
 (بموجب اجبارى كه اين اوقات رسيد نواتب غراند و ق قطنطين برادر اعليحضرت اميرالطو را روس از  
 شهر قلعه فرانس حرکت كرده و از راه بروكل بپيچفا و بعد از ان بفرنگ غزيت داشته درين حين از  
 اعليحضرت اميرالطو را روس با جناب رسيم تفراف احضار شده به پترزبورغ روانه كرده اند) (نواك  
 ناپلين عموزاده اعليحضرت اميرالطو را فرانس در اين اوقات در ضمن سياحت با انگليس و ايرلند و از انجا  
 به پترزبورغ بازديد نواتب غراند و ق قطنطين در روزنامه هاى فرانس نوشته اند) (بجهت  
 امور شخصيه خودش در اين اوقات رفتن قرال دنيا رك بپا رسيم مسموع كرده است) (در روزنامه هاى  
 غزيت نواب پرس مفسلين برادر اعليحضرت اميرالطو را كه قائم مقام لومباردىا بجهت باگشى بدن نوشته اند

۲۲۵۳

۱

قرال دولتسا ر دینه تاکنون تزویج اختیار نکرده است درین اوقات تزویج دختر قرال مقتضای سنه الزام  
 کرده و کیفیت در مجلس مشورت دولت خود بیان نموده است و همچنین قرال پور و گنیر نیز دختر دوام قرال  
 با وید را اراده تزویج دارد ( بقانون مطوم فرنگستان در پاریس تحت و مقرر حکومت هر دولتی مجلسی  
 دولت این چنین مجلسی از جانب ملت از وکلای رعایا انعقاد می یابد دولت تعیین و انتخاب اجزای مجلس ملت  
 مطلقا داخل نمی کند بلکه بقرار و رای عموم ملت از هر شهر و مملکتی وکیل انتخاب کرده به پای تخت میفرستند در این اوقات  
 در پاریس پای تخت دولت فرانس ملت ناموریت اعضای مجلس قومی نزدیک با تمام است در باب تعیین وکلای  
 از جانب دولت بعضی وکلای ملت به اسم مجلس قومی تصریح شده و از جانب ملت نیز بالمقابل بعضی اشخاص که در این  
 جمهوری فرانس مخالف دولت بودند دولت بعد از آنکه استقلال یافت آنها را تبعید و اخراج کرد انتخاب کرد  
 بموجب روزنامه دیگر که بعد رسید نوشته اند که گفتگوی مخالفان بین دولت و ملت فرانس در باب اجزای مجلس  
 ملی کلا رفع گردیده بخواهت طرفین از جانب مالی دولت و شصت و دو نفر اجزای مجلس قومی انتخاب گردیده اند  
 چهارده نفر از اشخاصی هستند که در زمان جمهوری فرانس مخالف دولت بودند باقی کلا طرفداران دولت  
 ( در شهر وین بنی دینا نیز در باب انتخاب اجزای مجلس جمهوری آنولایت بین مالی مخالفی ظاهر شده بود  
 در این اوقات اکثریت آراء در یک طرف ظاهر شده و نزدیک بوده است که ماده مخالفت رفع شود بعضی از  
 مالی که مخالف طرف اکثریت بودند بجهت آنها مخالفت و اجزای مدعی خود بطرف آنها توب انداخته بودند  
 فی الحال عساکر جمهوری بیرون آمد و توب را از دست مخالفین گرفته معاودت نمودند درین مقدمه از آنجا  
 سر قوتش فرقت و سی نفر مجروح شده اند بعد از آن که از شش سکاها بجا میماند با هنوز معلوم نیست ( دیگر  
 نوشته اند که اعلیحضرت امپراطور اسپریت که بشهر بیج تشریف برده بودند از جمله اگر مالی که با مالی مجارستان  
 مبدول داشته اند اینک با بجهت ما مورین هر سه نفر و نفرش از اهل آن مملکت باشند و اکثری از لربا چنانست  
 که در قلعه اسپیر قی مجوس بودند با مجوسین بر جایها و از عساکر مجارستان کسانی که بجهت جنایات بعد  
 مستوجب قبیله بودند همه را حضور فرموده اند ( با پای روم و مجال معلومه مملکت خود که سیاحت کرده بود  
 مالی محلیه با تمید اینکه بعضی اشخاص که با قضای پولتیک در حبس خانها مجوس بودند با پای آنها را عفو و  
 خواهد نمود بجهت تبریک قدم او در محل حبس اجزای سنگت و احترامات بعمل آوردند ولی مرضی مجوسین صورت  
 گرفت بن چنه فی الحال برو دتی با بین مالی و پای روم ظاهر شده است ( اگر کسی بخواهد بکس کسی که بخواهد و یک  
 داشته پیشگاه کائنات چینی بگوشته بود فی الحال و کشتی از انگلیس در سبب بجا فرستاده و بر آلات دولت مجوله او را  
 بدون آوردن کمان و شمشیر که خودی را نیز بفرستد از آنکه سبک شود بتواند حرکت بداند

۲۲۵۴

روزنامه فایح اتفاقیه پنجشنبه یوم چهارم شهر محرم بقول سیدان ۱۲۷۳

مستطی دار الخلاء طهران	مربع صد و چهار و دو
قیمت اعلانات	قیمت روزنامه
بر طرز شماره	هر نسخه

### اخبار داخله ملک محروسه پادشاهی

#### اردوی تاجان

اعلیحضرت امیرش تاجان شاهنشاهی خداوندگار سلطانه کاکان درینلاق نیاداران شریف دارند  
 در ماه شوره و سوم تقریب داری جناب سیدالشهدا در آنجا بر که در حوا ایند فرمود چون اوقاتی که آیام  
 عاشورا در شهر دارالخلاء شریف دستگیر کرد در جناب اشرفت امجدار فرغ صدر اعظم است  
 تقریب داری جناب اباعبدالله محسن علیه سلام و دعا کونی ذات امیرش تاجان را بعلی آوردند اسامی  
 موکب تاجان با فضائی فصل درینلاق نیاداران شریف دارند قبل از آیام و در ماه شوره جناب مستطاب صدر  
 که از پارسان نیای تکیه و تقریب دار برادر عمارت نیاداران خودشان که آمده بودند امر و مقرر داشته اند که  
 تکیه را طاق نما ساخته و هر جا که تعمیر و مرمت لازم داشت نموده بنهیه و تدارک تقریب داری مشغول هستند  
 تقاضای در در ماه شوره در آنجا تکیه بسته بلوازم تقریب داری و دعا کونی ذات بهمال اعلیحضرت ظل اللهی مشغول خواهند بود  
 (عمده الامراء العظام مقرب الخاقان سردار علیخان که از جناب سنی ابوجانب تاجان حاکم سیستان و از خدمتگاران  
 دولت جاوید سیستان است این اوقات که بتعلیل درگاه فلک شهباه شیرفانی حاصل کرده مورد مرحمت علیشانه گردیده  
 بود محض رحمت اراده خاطر اقبال مظاہر شاهانه اقتضا نموده او را بمصاهرته و تاسستطاب هر ازاده ازاده  
 بهم میرود است سلطنت کبری سرافراز فرموده بر حسب امر اولیای دولت علیه مقرب الخاقان همبزازمان  
 دیوان مجلس عقد ترتیب داده روز جمعه ۲۴ در حضور علماء اردوی الاحترام و شاهزادگان عظام و چاکران  
 در بازار کردون ام عقد منگوب میمنت و مبارکی منعقد گردید

۲۲۵۵

بعد از آنکه عهدنامه دوستی مابین وکلای دولتهای ایران و انگلیس در بغداد مبادله شد اولیای دولتهای  
ایران در کمال صداقت و بلافاصله اقدام با اجرای فصول و شرایط آن نمودند و هر یک را در موقع خود بدین  
تاخیر که ملاحظه آید در ندادند و عوشت جناب جلالت ماستر موریه وزیر مختار انگلیس بطهران و تعیین صاحب  
باشان برای دعوت و هماهنگی جناب معزی الیه و تقدیم لوازم احترامات و تشریفاتشان  
و تخلیه سبیل جمیع افغانه و اعلام صریح که هر کس در ملک ایران بوده باشد خود را در رفتن با فغان  
و ماندن در ایران مختار و مطلق العنان بداند و امثال و نظایر آن در محکم ازین مواد قصوری نگذاشته  
حتی تخلیه هر ات را که جز عظیم عهدنامه بود بطوری اقدام نمودند که قبض از انقضای مدت معتدله در عهد  
بین مقصود از فقه بفعل آمد و خبر صریح مکتوبی در این باب از توابع ماستر موریه و الی ملکیتشان  
خلاصه از جناب این دولت علیه هیچ وجه قصوری و تقوی بطور نیامده است و اکنون مستظرف  
استند که دولت انگلیس چگونه با اجرای تکالیف خود که در عهدنامه معتدله بود اقدام خواهد کرد و سبب استقامت از عهد  
ما فی الذمه خود در دوستی خواهد برآمد (چون مقترب انخافان میرزا زمان امیر دیوان در ان نظام امر دیوان  
مبارک که مراجعات کافیه بعمل آورده صورت احکام کیماله شریعتیه و عرفیه و مراجعات و فتاوی حکام شرع  
شریف را بر حسب امر قدر قدره را علیحضرت شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه در قلیل زمانی طوما مشروط  
نوشته بنظر همایون رسانید لهذا مستوجب شمول مرحوم علیه شانمانه گردیده موازی یک قطعه  
شیر و خورشید از مرتبه اول سیرسی با بنظام یک شیشه حایل شرح که مخصوص بان منصب است با  
یکثوب جبهه ترنه کشمیری با افتخار و حرمت گردیده فرمان مهر لعلان شرف صدور یافت) (نظر بر  
خدمتگذاری و حسن کفایت مقترب انخافان میرزا زین العابدین مستوفی در انجام تعهدات موجوده خود  
که خاطر اقدس همایون شاهنشاهی و ساسی دولت علیه را قرین رضامندی و خرسندی داشته مستوجب  
مرحمت آمد لهذا در این اوقات از جناب سنی الجوانب آه سس همایون بکثوب جبهه ترنه لاککی با افتخار  
مقترب انخافان مشارالیه مرحمت و عنایت گردید و در ان خلاصه **ظهران** هوای دار ان خلاصه  
مبارک که در این اوقات بسیار خوب شده و شدت حرارت که با بکثوب جبهه ترنه لاککی در نهایت طایفه  
بهم رسانده است حتی شبها را بی لحاف و بالاپوش نمی توان خوابید خصوصا و اخر شب که کمال سردی  
از هوا معلوم میشود و در این اوقات که ایام دور عاشورا و زمان تعزیه داری جناب سید الشهدا است  
عموم همایون دار ان خلاصه بزردن چادر در تکایا و بستن طاق نما و مدارک سبب تعزیه داری مشغول میباشد  
و عموم حکمران دیوانی مستوقف و ان خلاصه مبارک که در این ایام عاشورا از نظام و غیر نظام از مشق و غیره معافند

۲۲۵۶



مرخص باشند که روز را بتکایارفته استماع ذکر مصیبت نموده مشغول تغزیه داری باشند امور شهر  
و مملکت منظم و عالیشان گلا نتر و که خدا بان حسب الامور انبکایا شب هزاره والالتابار محمد تقی میرزا  
حکمران دارالخلافه کمال مراقبت دارند که از کسی خلاف فاعده سرزنند و هم چنین امر اولی ارک مبارک  
و قراول خانهای شهر مضبوط است و از جانب صاحب مضبان کمال اهتمام در امر قراولی و حفظ و مراقبت  
ارک و شهر بعل می آید و تا کولات و میوه جات از هر چیزی نهایت و فورو ارزانی را دارد و ناخوشی  
مثل سالهای گذشته که درین موسم فرادان بود اما سال بجهت الله نیست مگر بندرت بعضی تب و زردی  
میشود که آنهم بامساک و مراقبت جزئی رفع میگردد و امانی و اعیان دارالخلافه الباره در عین فراغت  
است و کی خاطر بر عا کونی ذات اقدس سها یون شاهنشاهی خداوند ملک و سلطان و شکرانه حصول این  
ربط اللسان میباشد) (ابر اسیم نام آتش در سال سابق در نیاوران دزدی کرده بود و آن  
دستگیر شده بجهت نواب مستطاب هزاره پنجم والالتابار کن الدوله العلیه العالیله اردشیر میرزا حکمران  
سابق دارالخلافه مجوس شده مؤخر از مجوس فرار کرده بعد از چندی باز به دارالخلافه آمده دزدی نموده  
نواب معزی الیه یک دست او را قطع کرده اخراج نموده اما سال باز در دارالخلافه دیده با یک دست  
بریده در کتب سرق شد او را گرفته آوردند حسب حکم نواب کایا شب هزاره والالتاب محمد تقی میرزا  
حکمران دارالخلافه دست دیگر او را نیز قطع کرده و چهارم نموده در بازارها گردانیدند از شهر دارالخلافه  
اخراج کردند و همچنین حسن بامی در کار دهنی دالان دراز بجهت شب رفته چراغ روشن نموده بعضی  
جمع کرده بود که ببرد دالان دارد و سکنه کار و انرا افینده او را گرفته خدمت نواب معزی الیه آوردند  
مقام تحقیق برآمد معلوم شد که سابقاً نیز دزدی کرده بود لهذا حسب حکم نواب معزی الیه یک دست او را  
نیز قطع کرده و چهارم نموده در بازارها گردانیدند از شهر اخراج نمودند بجهت در باب سرق و شرب  
شرارت از جانب حکمران و سایر کارکنان دیوانی مقیم دارالخلافه مساک کمال مراقبت نمودند  
بعل می آید و کسی مطلقاً قدرت حرکت خلاف بقدری نسبت بگیری ندارد) (امسال بیانی در دارالخلافه  
طهران چار جانب دیوان عالی و چار جانب امنای دولت علیه و محترمین جا کران در بارها یون و چار جانب  
سایر خلق زیاد شده میشود و روز بروز سحر الله آبادی و جمعیت دارالخلافه مبارک در تراب است چنانچه  
زمین با بر در شهر بسیار بندرت یافت میشود اغلب باغها را که در شهر بود درین سنوا کلاً قطع  
کرده و عمارت نموده اند و هم چنین بیرون دروازه دولت و شمیران و دروازه نوین خوب بنا شده است

سایر ولایات

۲۲۵۷

از در پایبجان از قراریکه در روزنامه تبریز نوشته اند امور ولایت قرین استقامت است  
 در هایا و بر ایما سوده خاطر بدعا کونی ذات احدیس تا یون شایسته ای خلد الله ملک و سلطان استغفار  
 دارند فدوی دولت ابد استام مؤتمن سلطان میرزا فضل الله وزیر نظام و پیشکامت آذربایجان در  
 غوررسی با مورچه مور نظم ولایت و انضباط کار سپاهی و رعیت و انجام مرجوعات و مهمات بواسطه  
 مراقبت و اهتمام و اذنی بعمل می آورد و بحسن کفایت که انی ولایت را تبدیل با زرانی نموده چنانچه از  
 روز ورود بانولایت تا اوایل دیحجه که این روزنامه رسید روز بروز غلظت در تراب و خوش در منزل و اند  
 اطراف و ستاده غله آوردند و بالفعل خواه غله و حیوانات و حیوانات در تبریز کمال و فوراً  
 حاصل تازه نیز پیست آمده و تعیر اجناس را از قراریکه نوشته اند که کم بوزن بهر امثالی مقصد دنیا  
 نان سه عباسی کوشش عباسی روغن چهار هزار و پانصد دنیا و جو سبصد دنیا و سایر اجناس  
 نیز بهین نسبت مستور و افزوده است دیگر به بیکر بیکی و که خدا یان و دار و غده در باب حفظ و امر است شهر  
 محلات قدغن آید شده است که سارق و شارب انچه و ازین قبیل اشخاص را گرفته و از ان جنایات  
 و انضباط تمام در نظم امور شهر و محلات داده شده علاوه بر کزانه و محفظ استماری که خدای بر محله  
 در سر کویها و کدرا از اهل همان کویچه و محله شبها مستحفظ گذاشته الواط و اشرا را بهیچوجه مجال شرارت  
 و هرزگی نیست و خود مؤتمن سلطان وزیر نظام روزنامه را از صبح الی حوالی عصر در دیوانه نگار نشسته بر رسید  
 بعضی و واد مردم و فیصل امور میزد و هر کس عرضی داشت با بیانی و بهر جهت در بان و قراولی رفته  
 عرض نموده بامث فیه برو فی جواب جواب میشود معرفت انجان میرزا مصطفی قلیجان پیشکار معاملات دیوانه  
 همه روزه با مستوفیان ولایت نشسته مشغول رسیدگی محاسبات و معاملات دیوانی و وصول وصال  
 مالیات میباشد (دیگر نوشته اند که عبد الله بیک غلام سفار سخا را در مرز گذشته بودند مراتب را بهر  
 و بیرون خارج بمؤتمن سلطان وزیر نظام عرض کرده حسب الامر محضن امور کرده دید که رفته فائق را گرفته ساود  
 دیگر یک نفر سید قیام عرض نموده که دو نفر الواط مرا بمیدان سخت چکان دعوت کرده و شب روغن  
 بخوردم داده چهل و سه عدد امیر مال مرابرده اند حسب حکم الواط را گرفته آورده تبه کامی نمودند ولی از  
 سید چیری مستور معلوم شد است) (دیگر نوشته اند که یک نفر زن در جهر سال خود را که بی عصمتی  
 و بمنزل ارامنه و غیره رفته بار کتاب خویش پرده خت بغیرت و جملش گران آمد شب خفته کرده  
 فردا کیفیت بعضی وزیر نظام رسیده آن زن را تحسین و توصیف نمود که بدنامی و بی ناموسی زاری  
 خود راه نداده است

۲۲۵۸

قزوین از قراریکه در روزنامه قزوین نوشته اند امور اولایت قزوین این نظام است نوآب کامیاب و آید  
والا تبار عبد الصمد میرزا حکمران قزوین سجدت تغییر آب و هوا در غنچه دستخیز آب گرم قزوین رفته بوده اند  
مقرب الخاقان حاجی حسنعلیخان پیشکار در نظام اولایت و رفاه حال عیب اتهام کافی بعملی آوردند  
آب خیابان خوابیده بوده است و از بی آبی مردم بدبیکند شدست مقرب الخاقان شارا لید و جوی از خود  
نجه تحقیقات فروردین داده است علاوه بر آن خواهی نیز داده و سی مسکام آب خرید در محلات  
نموده است و مردم از عسرت بی آبی فارغ شدند (دیگر نوشته اند که مسجد جامع قزوین این روزها  
خوب صورت تعمیر یافته و می باید سجدت سبکه هم موقوفات آنجا بخت است بی که حیف بیست حال مبرف  
خوش می رسد و هم سایر مردم میل کرده بر کس کجایی اورا تعمیر مسیادستان بسیار خوبی بار  
ساخته شده و طاق بزرگ اورا نیز که خراب شده بود مسائل در کارند و با زند و سلیمان صاحب گفت  
هر کس بقدر مقدور در تعمیر و آبادی آنجا اقدام و اهتمام دارند) (دیگر نوشته اند که عالیجاه زین العابدین  
نایبداستان مبارکه و ارد قزوین شده حکم اولیای دولت علیه را در باب حمل و نقل اسباب کارخانه  
در لیکن باقی آورد مقرب الخاقان پیشکار اول چند نفر بخار و تجارت و اسباب داده روانه نمود که بعضی  
معایر و غیره را که خراب بود دست نمایند بعد از آن کاربان در پیش سفیدان آنها را خواستند  
چجاه ریس قاطر گرایه نمود که در میان خود تقسیم کرده حاضر نمودند که رفته اسباب فروردین حمل نقل نمایند  
کردستان از قراریکه در روزنامه کردستان نوشته اند از حسن توجهات اولیای دولتی  
در اقصیت و کفایت مقرب الخاقان امان الله خان والی کردستان امور اولایت قزوین نظام است و رعایا  
و برابری اسوده خاطر به جا کونی ذات اقدس بجا یون شایسته استعال دارند هوای اولایت نیز  
نوشته اند اسال بسیار خوش گذشته و ناخوشی بخلایک های گذشته بسیار کم بوده و اجناس  
و کالایات نیز از هر چیزی فراوان و از آن بوده است) (در روزنامه جوانمرد نوشته اند که صیاد سجدت  
شکار کردن بگوستاران سرحد فته در کربوه کوه کوننی را ببطور آورده بود که مار بسیار بزرگی بگردن او  
پیچیده است تنگ را بر دست در آورده بود که کوزن را بزند ناگاه دیده بود که پلنگی بقوت تمام بر  
کوزن خست کرده مار فوراً سر از گردن کوزن راست کرده بر پلنگ زد بطوریکه از شدت اثر زهر بر زمین  
افتاده برخاست و با مار در آویخت و در پی یکدیگر چندان کاوش کردند که طاک شده سجاک غلطیدند کوزن  
از نکایت و اذیتان دو خصم مستولی سالم مانده راه خویش پیش گرفت صیاد نیز بعد از شاد و انجالت  
روزن کوزن را بر خود سکون نه است از خیال صید کوفت شده بود

۲۲۵۹

### اجار دول خارج

از پاریس پای تخت فرانسه تا توپین پای تخت ساردینیه راه اینی در ایام قبل ساخته شده است و یکی  
 اطراف بعضی کوهها را دور میزند و بچیدگی دارد با نظری که باید زود بمقصد برسند غیر نسبت بجهت تسهیل  
 راه مزبور از جانب دولت ساردینیه سابقاً تعیین معین شده در باب حفز کوه بزرگی که مابین حدود باستان  
 و ساردینیه است کمره و مشخص نموده بودند که اگر آن کوه حفز شود در سبب و چهار ساعت از پاریس  
 به توپین مستقیمان وقت تجاوز از پنجاه هزار ذرع آنجا که دوازده هزار ذرع ایران باشد از آن کوه بر آورده  
 که با سبب حفز شود تا راه مزبور مستقیم گردد و چهل مایان فزانی که هر طبعانی دو کوه و هر فراغی است و دول  
 این ولایت است مخارج کندن آنجا را دیده بودند در این اوقات که یکی از مهندسان انگلیس آلات و وسایلی  
 حفز زمین اختراع کرده است که بسیار خوب است آن با آنکه کوچک کند می شود از جانب دولت ساردینیا  
 مشخص مزبور قرار داده شده است که شروع در حفز آن کوه کرده راه این را درست نمایند (بقدر آنکه چند  
 در روز نامها نوشته شده است ولایت بیان که تابع چین و در سمت شرقی چین واقع است لغایت ثبت  
 حاصل آورد و حاوی سی چهل مایان که قریب ششاد کوه و خلق باشد هفت سالی یکدفعه و کشتی و آل فلک بجز  
 تجارت بانولایت میرو و سوای آن با هیچیک از انالی سا بر دول فرانکستان اختلاط و آمیزش نکرد  
 چنان میدانستند که در فرانکستان بجز از دولت فلک دولتی دیگر نیست در این اوقات که کدانش  
 جنگ با چین اتفاق افتاده بعضی انگلیسهای حبسکی و قوشون انگلیس و فرانس از مملکت بیان سر بردارند  
 حکمران بیان از اجالات فرانکستان بدین امکان کسب اطلاع نموده حال بنا دارد که بوقت دولت  
 فلک با سا بر دول فرانکستان نیز فرجه بدهد تجارتی تنظیم نماید (در شهر لیون یک پاپاس  
 ارد کردن کندم را بدون سبب بعضی اجزای مخصوصه خیال کرده بود چون خودش پرسیدن بود با جزای  
 عملیات خود موفق نشد شخصی از مطلقان خود موسیو بلاغوره نام و صفت و تعلیم کرده مشار این نیز در  
 تحت بعضی دولتها اجرای او را التماس نموده و باعث استهزا کرده بدین معاودت نمود در این اوقات  
 هر طور که بوده است در ماریسیلیا اثبات مدعای خود در نموده است و اعلیحضرت امپراطور فرانس او را  
 دعوت کرده اند) (چنانچه در روزنامه های سابق نوشته شده است از پطرز بوریغ پای تخت  
 روس نامه وار شده راه اینی قرار شده بود که سبب از فرار روزنامه های که این او جاب  
 رسیده است نوشته اند که از جانب دولت روس مجدداً حکم شده است که یکراه این دیگر  
 از پطرز بوریغ تا مملکت سیربازند

۲۲۶۰

کارخانه رسبانی که سه هزار عمده در کار داشتند در این اوقات در پیشگاه بطرز بزرگ در یک خیزه  
از جانب اعلیحضرت امیرطور روس حکم شده است با زند و قویانه درین خصوص شکل باقی است  
صورت تکلیفیه قویانه مزبور هنوز معلوم نشده است (قبیله ریف که در سواحل فارس مستند بفرانسیس  
تجارت که از آنجا عبور و مرور میسازند خیلی ضرر تجارت میرسانند و تا حال بد ابره اطراف سیج دولتی  
در نیاید و اند و پیوسته آنچه از دستشان برآید به کس از دست و آزار میرسانند در این اوقات بجهت  
تأکید و رفع خسارت آنها از جانب دولت فرانسه قشونی با آنجا فرستاده میشود) (در بطرز  
تاکنون شهبه را چراغ متعارف فی فانوس فرزند کوهها و محلات و غیره ردش میگردند حال اعلیحضرت  
امیرطور روس حکم کرده آن چراغها را موقوف کرده و بجای آنها مانند لندن و پاریس ششانی در حال سنگی  
بکار ببرند و بجهت ترقیب منسج و ممر و از قوه قبض آوردن این کار بعضی اشخاص اقرار کرده اند که از  
پاریس بطرز بزرگ بیاورند) (در باب حادثه شماره دنباله دار با جمله امانی و کنتان خصوصاً  
پروسیا و المانیا خیلی اشخاص اطلاق و اموال موجوده خود را صرف تلف نموده و محتاج بیک پول شده  
و بعضی از کمال خوف و حشمت کار عقل و ادراک خود را بدلال داده و برخی کلاه انبر گرفته در کوشکها  
انزوا کرده اند از جمله از امانی المانیا شخصی صاحب ثروت و سامان بعد از نشر این حادثه اطلاق  
خود را فی الحال فروخته و وجه حاصله او را تا روز طلوع این ستاره بوی تقسیم کرده تا غره خزیران  
که اول طلوع ستاره و ظهور قیامت می گفته اند بوسعت در فاه و بدل و اتفاق گذرانده تا خزیران  
گذشته و از ستاره مزبور روز قیامت اثری ظاهر نشود روز بعد از خزیران بیک پول نه است  
بی چیزی و اضطراب و حالت یوسی از روز قیامت خود را پاک ساخت) (در روزهای سابقه نوشته  
شده بود که عشاری قایل که در جوار خزیران بود دولت فرانسه مخالفت داشتند دولت فرانسه قشون  
انها فرستاده و با آنها جنگ کرده بعد از آنکه عشاری مغلوب شدند لاجل المجازات بعضی نکالیف  
باب تنظیم مساجد راهها و چیزهای دیگر با آنها تحمل شده بود بوجوب روزنامه که این اوقات رسیده است  
مؤخر اجمیع آن خواص رفع گردیده و با ساختن راه آهن از پاریس با نولایت شروع شده است) (ل  
دولت روس تا این اوقات عساکر موجوده خود را در تنظیم راههای آسبی و ازین قبیل چیزها کجا  
باز میباشند مگر عساکر خاصه را که آنها ازین قبیل کارها معاف بودند در این اوقات در باب ساختن  
راه آهنی که از بطرز بزرگ تا شهر وارش ساخته میشود از جانب اعلیحضرت امیرطور روس حکم شده است  
که عساکر خاصه نیز در این راه کار نمایند

۲۲۶۱

کثرت مخلوق در چین معلوم میشود همه کس است و بکرات در روزها نوشته شده است در این  
 مابین جنگ انگلیس با کانتون چین که قتل انگلیس حکومت کانتون حمله کرده و آنجا را تصرف کرده بود  
 بعضی اوراق دفاتر بست آنها افتاده از جمله دفتر نفوس چین بود که داده اند ترجمه نموده اند هم حسب آن  
 چنان سال قبل ازین جهت مملکت چین سیصد و هفتاد میلیون که مقصد و چنان کرده است و چنان  
 قبل ازین باز سرشماری کرده اند سیصد و نود و شش میلیون که مقصد و نود و دو کرده است و تقویم آمده  
 باین حساب باید حالا خلق چین از شصت و دو تجاوز باشند در هر قریه چین که کوچکتر از همه تصور می کنند  
 اقل پنج صفت هزار کس و در قضبات یک میلیون و دو و میان خلق بهم میرسد مثلاً در ایالت کان سوئی  
 و غانیهوی سی و چهار میان که شصت و شصت کرده است و در ایالت کانتون که مایه المزارع انگلیس چین  
 میان و میان که پنج و شصت کرده است خلق موجودند و ازین قبیل ایالاتی که شصت برسد و خلق  
 باشد و چین معتقد است و باین حساب خلق چین زیاد از یک ساهای خلق کل روی زمین است و نیز  
 نظایر همه در میان آن دفاتر بست انگلیس افتاده و ترجمه کرده اند نفوس این است که چون بجهت کثرت  
 در چین ایالتی پنج صفت و چهار صفت و اضطرار میشوند بعد ازین طغالی که تولد میشوند اگر نماند و چهار  
 رسیده پدر و مادرش بخوانند او را هفت نمایند از جانب حکومت مانع نخواهند شد (چنانچه سابقاً  
 بیان شده بود از دولت روس کانی که تجارت و سیاحت بحال سایر میرفتند که پسا پورت با  
 داده می شد و وجه پورت از آن اشخاص زیاد گرفته شد و غنیشان در تحت صعوبت بود علیحده  
 روس این اصول را موقوف کرده و اجرت پورت را نیز کم کرده و غنیت هر کس را درجه سهیل داده  
 مابین جز در ظرف مدت هفت شش ماه از مالک کس با بر مالک شصت هزار کس سیاحت و تجارت بیرون  
 رفتن) در شهر فلورنس که محل حکومت غراند و قوط سفایه است مردم در تماشای خانه آنجا جمع شده بودند تا گاه  
 تماشای آنش گرفت خلق روز آورده اند که از درهای تماشای خانه بیرون بروند از کثرت ازدحام که روی هم  
 و هم کمر را پامال کردند چهل و سه نفر تلف و بعضی نیز بجا و ج شدند مؤخر آمدند راه در کمال سهولت حاشی که  
 اعلانیات کتابی در علم ادب مشتمل بر نسخه ساسی فی الاسامی و سیر الادب و فروع اللغه و شرح قصیده  
 کعب بن زبیر و قصیده معروفه و مقصوده این درید و بعضی دیگر از اشعار و قصاید مفترقه بستی و استقامت  
 تاب ادیب ازین اخوند ملا علی اصغر اصفهانی تالیف و توضیح شده الطباع یافته هر کس طالب و خریدار  
 در مدینه صدر در اطاق زاویه فروخته میشود هر نسخه به چهار دینار

۲۲۶۲

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ۱۳ خرداد ماه ۱۳۰۳

فرد سید و جدت  
 قیمت روزنامه  
 هر نسخه ده  
 قیمت اعلام  
 هر طرزه



منطقه دار اختلاف طهران

اخبار داخله مالک محروسه پادشاه

اردوی بهایون

چنانچه در روزنامه هفت گذشته نوشته شد اعلیحضرت آقا سید بهایون شاهنشاهی خداداد کله  
 باقتضای موسم و مناسبت فصل این ایام را در بیابان نیادوران تشریف دارند و مراسم  
 تعزیه داری جناب اباعبدالله الحسین علیه السلام را در اینجا برپا میدارند گنجه که پارسال جهت  
 تعزیه داری حسب الاشارة العیده در نیادوران نباشده و با تمام رسید بعضی جزئیات آن  
 که نامحاجی داشت درین سال با تمام رسیده و اسباب بکلیه و طاق نما از سال و نفاس و  
 قنای و بطور آلات و سایر اسباب تعزیه داری جناب سید الشهدا علیه الاف التحته و  
 جناب اشرف امجد ارفع فخرم صدر اعظم قبل از ایام عاشورا معترضه شدند از شهر نیادوران  
 برده صفت و طاق نما را بقانونی که رسم است از تجار و غیره در کمال آرایش و ضعیف  
 و روضه خوان و شبیه خوان هر روز بزرگ مصیبت خامس آل عبا و ثالث ائمه دی امام شهید مطهر  
 انسانی دولت علیه و شاهزادگان عظام و چاکران مکرّم کاب بهایون و اعیان و اشرف و  
 و انالی زکورا انانیا باستماع ذکر مصیبت حاضر میشوند و جمیعت کامل از تعزیه داران منعقد میگردد  
 و بجهت احراز شویابت و حصول دعای خیر جبهه و انت اقدس بهایون شاهنشاهی شام و نهارا  
 فقره او ساکنین و صیباقت بسیار تعزیه داران بطور اکل بعلم می آید در سایر دانات شمیران نیز  
 حصول امنیت درین سوره هر یک قصه مشهوره و چون بجمیعت فراوان است لوازم تعزیه داران بر اهل می آورند و  
 هر یک از آنها با بعد از ختم مجلس تعزیه بدعا کونی وجود فایض وجود اقدس بهایون شاهنشاهی اقدام

۲۲۶۲

از فرارسش روزنامه ۲۲ ذیحجه الحرام مطابق نمره ۳۴۱ نظر بدلیلی که در آنجا ذکر شده بود رعایای دولتی  
 خارجه در خاک دولت علییه بدون حصول شرایط سه گانه مذکور سابق مالک کلی نمی تواند شد اما از قرار  
 مخصوص است با ملاکی که اسم قراء و مستحلات و امثال آن بر آنها صادق بود و آشنا بشود خانه نشین  
 انبار سخته وضع امنه تجاری که برای ضرورت تجارت موافق عهدنامه منعقده مابین این دولت و دولت  
 کامل الوداد اجازت اقباع آن در حین لزوم داده شده است (چون عالیجاه مجد شمسراهمیرزا  
 اسمعیل خان نیشی بهام خارجه ستر اباد حسب الامر الاقدس الاعلیٰ حضارند بر بار محدثت اربابان  
 عالیجاه مجد شمسراهمیرزا ستر اباد بنام شش بگری مهام خارجه اقامت داشت در باده  
 نیز از قرار صد و فرمان هر ملعان مبارک در عوض عالیجاه مشارالیه با مواریثت بمصوب باقی  
 مقرب الخاقان جعفر قلینجانی ایلیانی حاکم ستر اباد روانه محل مأموریت خود گردید و از جانب اولیای  
 دولت علییه دستور العمل با و داده شد که بصلاح دید مقرب الخاقان مشارالیه با مواریثت و ایزد  
 فیما بین تبعه دولین ایران در روس بر حسب مدلول عهدنامه مبارک که رسیدگی نماید و با عالیجاه  
 همسراه قونسول دولتش مشارالیه متوقف ستر اباد در قطع و فصل امور تبعه طرفین و تقویت تجارت  
 رعایای جانبین و سایر لوازم مودت و یکجندی کمال اهتمام و همتی العمل آورد و از راه شمول رحمت  
 ملوکانه با عطای یک قطعه شان شیر و خورشید از درجه دوم سمرسکی و یکسب جبه ترمه کرمانی از  
 جانب سنی بجوانب ملوکانه قرین افتخار و امتیاز آمد (چون عالیجاه حاجی موسی خان سونگ قورق  
 مبارک در خدمات موجوده خود اهتمام داشته خاطر احد سنس طایون شاهنشاهی و ای دولت علییه را چون  
 خرسندی نموده مورد التفات و انعام ملوکانه گردیده در این اوقات یکصد و پنجاه تومان برسم انعام  
 در حق او مرحمت فرمودند) (چون مقرب الخاقان مادی خان سرتیپ که از جانب دولت علییه دو سفر  
 مأموریت سبره عرقین عرب عجم که نزد یک عیبهات عالیات است بهم رسانید و بجهت انعام لوازم  
 مأموریت خود شش توانست زیارت اماکن شریفه مشرف شود لهذا ایندفعه که خدمت محوله بخود را  
 بطور خوبی و بر حسب منظور و دستور العمل اولیای دولت علییه بانجام رسانید بواسطه اولیای دولت  
 علییه مستدعی حضرت ربارت روضات مقدسه از خاکهای مبارک سرکار اعلیحضرت اقدس طایون  
 شاهنشاهی دامت شوکه گردید بملاحظه محسن خدمتگذاری و صداقت سعاری مقرب الخاقان مشارالیه  
 محض شمول رحمت ملوکانه با عطای یکسب جبه ترمه برسم علت مودت و مودت انعام از جانب  
 سنی بجوانب طایون قرین امتیاز و مبالغت آمد و اجازت حضرت عیبهات عالیات با و مرحمت

۲۲۶۴



و احکام سفارش از جانب دولت علیه بحکم عرض راه صادر گردید که بعد از عاشورا ان شاء الله تعالی  
 پنجاه روز آداب و قواعد زیارت مشاهد مقدسه را بعمل آورده معاودت نماید و از احکام  
 طهران در این اوقات که ایام دهم عاشورا است جمیع تکایای محلات دارالخلافه سینه  
 و علمای اعلام و سادات ذوی العز و الاحترام و عموم اهل دارالخلافه از عالی و ادانی صغیر  
 کبیر از کور انقاد در نکایا و مجالس ذکر مصیبت جناب ابا عبد الله حسین علیه السلام حاضر شده بطور  
 تعزیه داری و دعا کونی دانت اقدس هائون شاهنشاهی میسر و از نوات کامیاب نهادند  
 محمد تقی میرزا حکمران دارالخلافه و مقرب الخاقان میرزا موسی وزیر دارالخلافه و سران نظام و عمده  
 غنجان و چاکران مقیم دارالخلافه مبارک که در عمارت دیوانی ارک مبارک که بر اسم تعزیه داری قیام  
 و سایر خلق در تکایای محلات و مدارس و جده و خانه ها و کدزها مشغول تعزیه داری میشدند چون شبها  
 نیز مجالس تعزیه در نکایا برپاست عالیجاهان محسود خان کلانتر و کدخدایان محلات نهایت برآ  
 دارند که خلاف قاعده و سرفقت و شرارتی اتفاق بیفتد (تقصیلی در روزنامه کردستان که در  
 گذشته رسید نوشته اند بجهت حسن عقیدت و مریذارادت تعزیه داران مناسب میباشد که درین  
 صفحه مکتوب کردد - محمد حسن آقانا که دستاکی که از معارف و مشاییر و تصنیفات و بخش مرحوم  
 میرزا فضل الله را تعسبات عالیات برده بود در این اوقات بکردستان معاودت کرده در نزد مقرب  
 والی و سایرین مذکور داشته بود که در اوایل شهر شوال زو قور زیادوی از اهل بیته وارد کرد بلای  
 گردیده و بیانات اجتماع در همان روز داخل حرم مطهر شدند و نفر از نوایان آنها که قریب سی و نه سال بود که  
 چشم هر دو از طبعه بینائی عاقل و چند نفر خادم دست آنها را گرفته زیارت سینه حضرت سید الشهداء  
 آورده بودند و باد بیزن در دست و شستند آنها را با د میزدند یکدفعه بدون رطوبت خارج قطرات  
 از باد زنها بروی هر دو ناپینا پاشیده بجهت ترشح قطرات هر دو نواب عمی پیدا گردیده دنده  
 ضریح مطهره و بقعه منوره روشن کرده نوز آنجا ک افتادند و سجد اشکر الهی را ب تقدیم رسانیدند  
 آنها و سایر زوار که از ناسبانی آنها مطلع بودند از مشاهده این حالت صدابولوله و هله بلند کردند و از در حرم  
 زیاد از غریب و بومی در بقعه و رواق منوره و صحن سرای مقدسه شده آن دو نواب که با فاند و عصا  
 بخدمت پناه آمده بودند در مراجعت بدون چوب و عصا بدست خود مردم بس و پیش سکرته بجمع آمدند  
 از علمای اعلام و سادات نظام و آتم ذوی الاحترام و بر خلق هر روزه بیدن آنها میفرستند و اقرار بر مشاییر آنها  
 چنان بر سر از زبان ناسبانی سابق بطوریکه در شبهای یک در کوچه چرخ و عصا بر سر و لایات

۲۲۶۵

اذربایجان از قراریکه در روزنامه تبریز نوشته اند نواب مستطاب هزاره هفتم والای تبریز  
 رکن الدوله العبد العالیه اردشیر میرزا که از جانب سنی الجوانب اقدس علیون شاهی بکمرانی  
 مملکت اذربایجان مرفراز گردیده از دربارهای یون روانه آنولایت شده در ورود با بنجامین سلطان  
 وزیر نظام و پیشکار کل مملکت اذربایجان بعلماء اعلام و فضیله ذوی الغر والاحترام و اشراف  
 اخبار و سران و صاحب منصبان نظام و خوانین و کدخدایان و عموم اهل تبریز قدغن نمود که با این و  
 تمام استقبال نواب معزی الیه را بعل میاورند اهل شهر کلا و کاکین و بازار را با سببه عالی و ادانی این  
 در عین نظام و نوچانه و تفکیحی محلات لوازم استقبال و توقیر و احترام نواب معزی الیه را بعل آورد  
 الی خلعت پوشان رفته شرفیاب حضور نواب معزی الیه شدند و نواب معزی الیه هر یک از مستقبلیان  
 شان و مرتبه التفات نموده احوال پرسی کرده و آنها را العواطف اولیای دولت علی امیدواری  
 دادند و چون سببه ورود و شهرت بعد بود بیاع شمال منزل نمودند و در روز عید اصحی نواب مستطاب  
 رکن الدوله حکمران مملکت اذربایجان بقر حکمرانان سابق و رباع شمال مجلس سلام منعقد نموده مؤمنان  
 وزیر نظام خود بنظم و ترتیب سلام رسیدگی کرده سران سپاه حضرت نواب از میر نیچکان  
 سرتیپان و سرسکان و سایر صاحب منصبان عساکر منصوره با نظام استیاده علماء و فضلاء  
 و اعیان و اشراف از وضع و شریف در سلام حاضر گشته اجرای شکیک شده ادای خطبه بنام  
 سرکار عالی حضرت قدر قدرت شاهی و ختم تمام بدعای بقا و از یاد دولت و شوکت مصون از  
 ستای کرده سلام عبد اصحی منقضی شد (دیگر نوشته اند چون میزان دار السلطنه تبریز کوچک بسیار  
 بود انبارهای بزرگ نداشت بارهای تجار داخله و خارجه در فضل خریف و زمستان در زیر برف و بارش  
 میماند و تجار ازین بگذر متضرر میشدند مؤمن سلطان وزیر نظام حسب الامر اولیای دولت علیه میزانی  
 وسیع و بزرگ در قرب جنبه خانه مبارکه بسرکاری عالیجاه میرزا عبدالمستوفی ساخته و انبارهای  
 بسیار وسیع و بزرگ که بارهای تجار را در آنجا گذاشته از برف و باران محفوظ بدارند بنا کرده اند  
 و تاکنون در تبریز از برای میزان چنین بنائی نشده بود قریب با تمام بوده و در واسط محرم قرار بوده است  
 که تجار بارهای خود را بمیزان جدید باصل نقل نمایند (خلعت بیکریگی کردی دار السلطنه تبریز که از جانب  
 سنی الجوانب اقدس علیون سرفراز می عالیجاه مقرب الخاقان علیقلی خان مرشد بود مؤمن سلطان  
 وزیر نظام در نهم ماه ذیحجه خلعت هر خلعت علیون را مصحوب عالیجاه میرزا عبدالمستوفی بنزد مقرب الخاقان  
 مشار الیه روانه نمود و در وقتیکه مجلس دیوانخانه مبارکه اراسته و مقرب الخاقان اسدالله خان سپهسالار

۲۲۶۶

وزیر نظام و سایر اعیان و اشراف و ولایت و کد خدا یان محلات غیره حاضر بودند متعجباً انخاقان  
 شاره لیه لوازم استقبال و توقیر و احترام خلعت و سکران و مہتممان تققد و عواطف اولیای دولت جاوید  
 مدت را بعل آورده زیب بروش عتبار و افشار خود ساخته اہل مجلس تہنیت و مبارکباد گفته صرف  
 و شیرینی نمودند ( دیگر نوشته اند کہ عمارات دیوانی تبریز چند سال بود کہ تعمیر شدہ بود و بہ در آمان  
 اگر جا بہا سنگت و خراب کشتہ بود در این اوقات مؤمن سلطان وزیر نظام قدغن نمود کہ جمیع عمارات  
 دیوانی خصوصاً دیوانخانہ مبارکہ و حوالی آن را کہ خراب و شکستہ شدہ بود از نو تعمیر نمودند و الان ہم  
 عمارات دیوانی آنجا آباد و مسکون است ) ( در باب مواجیب ما بہ سر مبارکہ باید دستی دادہ شود  
 از وجہ نظام اکثر آنها کہ از دستور العمل دارالخلافہ طهران احکام آورده بودند برآہنہا را لشکر نویان  
 عظام از دفتر خانہ مبارکہ صادر کردہ مواجیب آنها را مؤمن سلطان وزیر نظام کار سازی نمود ) ( دیگر  
 مقرب انخاقان محمود خان میرنچہ عالیجاہ ہدیعی جان نایب اجودان باشی را فرستادہ سان  
 فوج امیر تیر اادیہ و تحقیق رسیدگی جبرہ آنها را کرد کہ صاحب مضبان رساندہ اند یا نہ پس از  
 و رسیدگی معلوم شدہ بود کہ یک نفر سلطان قدسی از جبرہ سر بازان را حبس و بیل نمودہ بود مشار  
 بقاعدہ نظامی بقراول انداختہ مراتب را مؤمن سلطان وزیر نظام عرض نمودہ سلطان فرمود را حاضر آورد  
 در پیش روی اطاق نظام تمبیہ نظامی نمودہ سبب خلافی کہ کردہ بود باز بقراول انداختہ ) ( سر بازان  
 جدید کہ بچہ کسر فوج خاصہ شریفہ گرفتہ شدہ بود مقرب انخاقان میرنچہ و عالیجاہ میرزا نصر اللہ شکر نویس  
 در اطاق نظام در حضور مؤمن سلطان وزیر نظام سان آنها را دیدہ پنجاہ نفر از آنها را کہ جوانان  
 بسیار خوب بودند انتخاب و ثبت نمودہ صورت سہمی آنها را نوشتہ قرار دادند کہ روز مارادریا  
 مشغول مشق باشند ) ( دیگر نوشته اند کہ مقرب انخاقان میرنچہ لبان توپچیان حاضر در سلطنت  
 تبریز رسیدگی نمودہ بعد از آن قرار جبرہ آنها را داد کہ ماہ ماہ بانہا عاید شود ) ( دیگر نوشته اند کہ  
 پنجم ماہ و پنجم مؤمن سلطان وزیر نظام قدغن نمودہ داد در بازار ماہار کشیدند کہ جنابان نان را اند  
 بفرود شد چنانچہ قانون جنابان است در وقت ارزان شدن نان روز بردر دکان خود چراغ روشن  
 می کنند بردر دکانین خود چراغ روشن کردہ نان را بوزن ہزار مثقال بدہای و چہنند و اما فی  
 این مرحلہ بسیار مشوف و شکر کہ از بودند خصوصاً عجزہ و ساکین ) ( در روز عید سعید غدیر نیز نواب مستطاب  
 رکن الدولہ علیہ در باغ شمال سلام عید منعقد نمودہ بقانون ایجاد بزرگ اجزای شیک و ادای خطبہ لوازم  
 عید را بطور شایستہ لعل آوردند

۲۲۶۷

عربستان و بر وجود از قراریکه در روزنامه عربستان نوشته اند خلعت مظهر طلعت هالیون  
 که با فتح نواب امیرزاده ابراهیم میرزا همشده بود چون نواب معزی الیه با افواج کراچی و سواره  
 و فعلی در حوزة مأموریت آن سرحدات بود نواب مستطاب هزاره و الا بتا حشام الدوله خلعت هالیون  
 بخوزیر فرستاده در حین وصول با سران و صاحب منصبان نظام و سرباز و توپچی و شیخ اعراب نواب معزی  
 با استقبال شتافته لوازم توقیر و احترام را بعل آورد. خلعت هالیون را زیبا برودش به امانت نمودند  
 اجرای شکر صرف شربت و شیرینی برهم شکر گذار بر تقدیم رسانیدند (دیگر نوشته اند که  
 نواب امیرزاده ابراهیم میرزا بدین طریق نواب معزی را در احوال خود و حوزة انتظام کامل در امور آن سامان  
 سرحدات داده اغلب فراموشی که او اینها را سابق در انولایت گذارند که باعث خرابی عسرت بود  
 همه را برداشته و موقوف کرده نظم و انبات و سبک سابق عسرتی آنها را فراری تازه داده اند  
 و بدین سبب تفرد که اغلب از تعذبات و لاشایق ترک ماکن و اوطان خود کرده بخاک دولتها  
 رفته بودند در این اوقات بسیاری از آنها مراجعت کرده بقاعده اعراب نوشته تحت حوسته اند  
 و می آیند و نواب معزی الیه سبب ترفه حال رعایای آنجا کتا بچ دستور العمل نوشته بولی محمد خان  
 تازه آنجا که اسال بوالیکری انولایت برقرار گردیده است داده اند که از قرار آن دستور العمل کلفت  
 اعراب شیخ و سادات و رعایای انولایت ازین رکذ رکال شکر گذار بر دارند) (دیگر در روزنامه عربستان  
 نوشته اند که قلعه خرم آباد و باغ سروستان علی آباد که بر رود و دور از حلیه عمارت و آبادی است و  
 چنان قلعه بلند و باغ بهشت مانند با بروبی رونق افتاده بود نواب مستطاب هزاره و الا بتا حشام الدوله  
 دو سه لی است در صد و تعمیر و آبادی آنجا بر آمده از تادراین اوقات تعمیر قلعه صورت تمام و انجام یافته  
 بطوریکه بحسب شکر و آراستی و استحکام جنسی بهتر از اول شده و هم چنین باغ سروستان اگر چه سردای قدیم  
 او از بی نظیمهای بق اغلب خشکیده و مقطوع گردیده بود ولی از سایر اشجار شمره و غیر شمره حسب احکام نواب  
 معزی الیه غرس نمودند و بالفعل باغ منور سبز و خرم و اشجار شمره او نیز شمره شسته کمال حضرت و صفات  
 دارد) (دیگر نوشته اند که چون صفی پسر و نواب مستطاب حشام الدوله بنواب جلال الدین  
 نایب الحکومت لرستان و اگزار نمودند بجهت تقویت کار نواب معزی الیه عالیجاه محمد مراد خان نایب  
 فوج زرندی را با فوج نامور کرده مشار الیه با فوج در او اخر ذیقعد و اردو خرم آباد شده و در هر جا  
 نظم راه بسته است چنانچه هم انالی محلیه و هم نواب جلال الدین میرزا از حسن کفایت و معقولیت و سلوک  
 او و صاحبان او و ابناشان انجام مقام کمال رسانیدند

۲۲۶۸

دیکر نوشته اند که دسته قطاع الطریق از طوائف حسنون و غیره من جمله ایلات لرستان بزم و  
 عابرین و سرودین چند شب در دور خرم آباد کمین کرده و دومی فقره نیز دستبرد زده بودند کسی  
 بزم سرفتمیوه میان باغی رفته باغبانی خبر شده دیگران را صدار زده و بهیابانک یکدیگر خبر  
 کرده روی به زردان و دزدان روی بفرار نهادند باغبانی یکی از دزدان رسیده او را گرفت و در  
 چند نهم کار و باغبان زد و بگد او را بگد را نکرد تا باغبانان دیگر رسیدند و دستهای دزد را  
 بسته نیز دزدان بپای حکومه آوردند و حسب حکم آب مغزی الیه قسبه سپاست گردید (دیکر از غزالی  
 اتفاقات نوشته اند که استاد خدا داد نامی رزق بارش در بالای بام میان خنجر خواب خواب  
 بودند ضعیفه در خواب بوده است می بیند کسی دستی با زده گفت بخیر که طفلت از بام نریز افتاد  
 سر سیم از خواب بیدار شده نگاه کرد طفل خود را بر لب بام دید که مشرفه با فادن است مضطرب  
 بطرف طفل دوید که او را بگیرد خودش بضر تمام میان حیاط افتاد از صدای افتادن و فریاد او  
 خبردار شده بسر وقت او آمده او را برداشته با طاق بردند و کیفیت را از او سوال کردند که چه سبب  
 افتاد و تفصیل گذشته را بیان نمود بعد از آن جویای طفل شده او را در بالای بام در میان خنجر  
 حفته یافتند ضعیفه مزبور بهمان صدمه بعد از سه روز فوت گردید (دیکر نوشته اند که امسال هم  
 در لرستان کمال فراوانی و ارزانی حاصل است چنانچه کدم خرداری چهار هزار دینار و جو خرداری  
 سه هزار دینار و سایر حیوانات نیز بهین نسبت نمایند و خوراک دارد و مالی اولایت ازین بگذرد  
 در کمال سودگی شنید اخبار دول خارجه در ماه ذیقعد در شهر و کجوشو لومباریا  
 کلیسائی طاقش فرود آمده و از نسوان که در آن کلیسا بوده اندست نبرد ز بر خرابی مانده هلاک شده  
 (از کلیسای بعد آن نیز یک کلیسا چند وقت پیش ازین طاقش شکست خورده و از راه احتیاط  
 در او قویا منع شده بود در این اوقات طاق مزبور منهدم گردیده ولی چون سکونت در او سابقا ممنوع  
 در اینجا نبود ضرر جانی بکسی وارد نیامده است) (در این اوقات در وینه پای تخت استریه از ضرر  
 آنجا بقدر شصت هزار تومان وجه سرفتمیوه بود در این باب تحقیق کردند معلوم شد که یکی از نامور  
 صدانجا حبه حبه این وجه را سرفتم کرده و او را ق پیانو خریده و فرار کرده است) (در باب  
 سکوکات در پاریس و لندن که گاهی تنزل و گاهی ترقی می کند و معاملات تجاری بصورت و خسارت  
 می انجامد سبب آنست که رفع این اختلافات ترقی و تنزل از سکوکات است و سبب آنست که قاعده مرتبط باشد و اتفاقا  
 مابین شهرهای پاریس و لندن محوط شود درین اوقات اخباری از پاریس بخارج لندن فرود آید

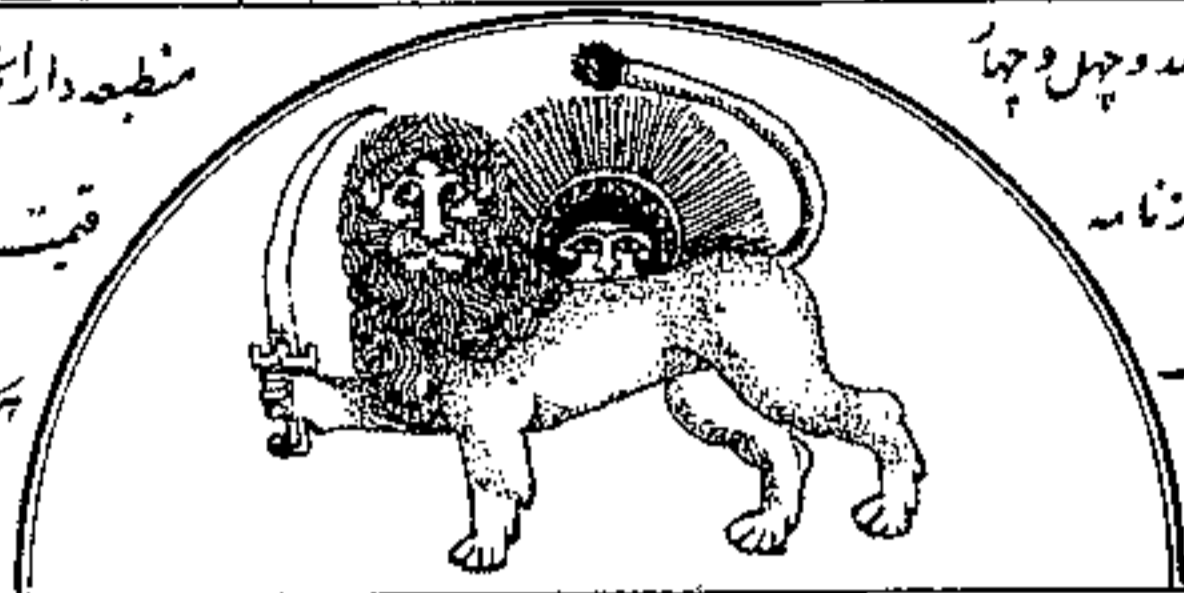
۲۲۶۹

از کشتیهای بخار دولت سار دینیک کشتی قالیاری نام بعضی سید شایسته بردن بطونس حمل کرده و بیستم  
ذی قعدة از جنوه حرکت کرده و از اهل ایتالیا سی نفر از اشخاصی که در محاربات بق دول در قشون این  
میکردند در آن کشتی بودند وقتی که کشتی به پیشگاه جزیره پارونیه رسید جمعیتی بقدر چهار صد و پانصد  
در زور قماشته نمودار شدند نزد یک کشتی که رسیدند آن سی نفر ایتالیائی که در کشتی بودند هر یک سلا  
بر گرفته بروی کپتان و سایر اهل کشتی حمله آورده با آنها که در زور قما بودند متفق شده هر طور بود زمام آن  
کشتی را بدست خود گرفتند و بجهت استخلاص معتمدین ناپولی که بسبب بعضی موجبات پولتیک در جزیره پون  
محبوس بودند بدین ترتیب روانه را با لاکشیده روانه شدند وقتی که با بخار رسیدند سرس لکرگاه آنجا بکشتی  
مربور آمد که بقانون آن ولایت تذکره و پاپورت اهل کشتی را ملاحظه نماید اورا گرفته کشتی حبس نمودند و صد  
پنجاه نفر زور قماشته بکشتی درآمدند و اولهای انجا را متفرق کرده بحبس هجوم آوردند بقدر سیصد نفر  
از معتقدین را که محبوس بودند خلاص کرده با خود بکشتی در آورند و از انجا با ایالت صالونیه که در تحت حکومت  
دولت ایتالیا است بجزل سا بری نام رفته ارباب افسار با خود متفق نموده بجهت اجرای افسار در آن  
ایالت دسته دسته با طرف متهاجم شدند دولت ایتالیا این حادثه خبردار شده فوراً قشونی  
از راه خشکی نامور و دو کشتی بزرگ نیز با قشون بحری از راه دریای پنجاک آنهارو از نمود کشتیها آمدن کشتی را  
از دست معتدین گرفته و بعد از محاربات معتدین مغلوب و متفرق گردیدند و قشونی که از راه خشکی نامور  
بودند در آن جمعیتی از معتدین برخورداره جنگ در پیوستند بعد از محاربات بسیار صد نفر از معتدین کشته  
و سی نفر دستگیر و باقی متفرق گردیدند و آن سی نفر را که دستگیر کرده بودند بدار کشیده معدوم گردیدند  
این حادثه در پانزدهم ماه فروردین با از معتدین ایتالیا از محل غارت و طوبخانه از شهر لیقوره دولت نهر  
مبصره روانه شده قاول خانه بزرگ انجا فرود گرفته بعد از غارت خسارت بسیار بطان انجا اقل گردید  
حکومت انجا خبردار شده در راهی قلعه را کف بستند و قشونی بسرا آنها فرستاده با هم زد و حوز و کردند از جانب  
حکومت چهارده نفر از جانب معتدین سیزده نفر تلف گردید طرفین دست از جنگ کشیده مراجعت کردند  
اینها در سیزدهم ماه فروردین در شهر جنوه نیز از طرف ایتالیا جمعیتی بکشد آنها بفرستاده کرده در درون شهر بگذاشتند  
فورا از جانب حکومت بقدر کفایت قشونی بسرا آنها فرستاده چند نفر از زور خمدار کرده و باقی متفرق شدند  
پن چند عراده علف بار کرده بشهر می آوردند و ضبط حکومت آنها را گرفته معلوم شد که علف پانچ بسیار در زیر  
علف پنهان کرده بودند چند هزار تنک و پانچ آنها ضبط حکومت انجا در آمده نظام حوز را سخت نمود و این  
کیفیات معلوم شد که معتدین ایتالیا کلاً در باب سورش و با هم اتفاق کرده و هم عهد نموده

۲۲۷۰

# روزنامه وقایع آنها و تبارخ یوم خمیسه بیستم محرم مطهر سال ۱۲۷۴

منطبه دار الخلافه طبرک  
قیمت اعلانات  
هر خط سه



نزه سید و چهل و چهار  
قیمت روزنامه  
هر نسخه دوازده

## احبار و اخذ ممالک محروسه پادشاهی

### اردوی بهایون

در این دهم عاشورا بر جمعی در هر جا که بودند تغزیه داری جناب اباعبدالله الحسین علیه السلام اقدام  
جناب اشرف ارفع امجد محترم صدر اعظم در عمارت داران خود آن تکیه تغزیه داری سینه طاق نما  
و سقاخانه های بسیار خوب بهتر از سالهای دیگر تهیه شده و هر روز بعد از انقضای مجلس تغزیه نماز  
صرف کرده و بجهت حصول دعا کوفی دانت آهوسن بایون شاهشاهی اطعام فقرا و مساکین از جانب جناب  
معتظم الیه بعل این شبهاران نیز بر شنبلیلی جمعی از علمای اعلام و اغزه و اشرف و شاهزادگان عظام و غیره تکیه  
مزلوره دعوت شده بدگر مصیبت جناب سید الشهدا و دعای وجود فانی وجود اعلی حضرت و شکر شایسته  
متذکر بودند در شب عاشورا کلا راه سس بایون تشریف فرمای تکیه مزلوره کرده از جانب جناب معتظم الیه  
لوازم پیشکش پای انداز و قربانی بعل آمده و وضع تکیه وار استکی طاق نما و سقاخانه ها که مشون بپور  
و قنادیل فراوان و نقایس و شالهای سنگین بود مستحسن و مقبول خاطر ملوکانه افتاده جناب صدر  
اعظمی را منعی طب سخطات غنایت آنیر نمودند و روز عاشورا را نیز شبیه عقاد و دوست شهیدای د  
کر ملا در آورده رقت زیادی از برای تغزیه داران دست داده مجلس تغزیه بدعای بچای وجود فانی  
بهایون شاهشاهی ختم گردید و هم چنین در شهر دار الخلافه مبارکه نیز بجان معلول سال روز قتل با از  
جمع تکابای مختلفه سینه زن و تغزیه جوان بیکه حال حصار آمده قتل را بر کار نمودند (که گذارش دو نفر  
نوابان هندی که نابینا بودند و در حرم مطهر جناب اباعبدالله الحسین علیه السلام پیشان بنا کردند بود و هفتگه گشته از  
روزنامه گردستان نوشته شد در این اوقات که روز از غنای آنکه جمع کثیر می گزیدند که خود این غنای برای پیش کردیم

۲۲۷۱

چندی پیش قبل از حرکت نواب مستطاب مستطاب والی مملکت خراسان از بهرت عالیجا حسن خان سرکرد  
سواره قراپاپاق بادولیت نرسواره خدمت نواب معزی الیه بدار النقره بهرت میرفت روز شنبه دهم  
شهر ذیحجه الحرام میابین خوف و غوربان بقدر دولت نرسواره ترکمان یازید ترانست رودخانه  
پیدایشوند و یک نفر از اهل غوربان هم در آن بین عالیجا حسن خان خبر میدهد که سواره یازدهم در  
دارند باز عالیجا مشارالیه باقتضای غیرت و رشادت جیتی از کثرت آنها اندیشه کرده با سواره قراپاپاق  
که مسراه داشت از عقب آنها اسبی اندازد تا چهار فرسخ ایستای می کنند و بقدرده پانزده نفر سواره  
قراپاپاق بانها میرسد آنها نیز دست بشیر برشته میکارند جنگ و کارزار اگر می کنند بقدرش نرسواره  
ترکمان بزخم کلوه می اندازند سایرین تاب مقاومت نیاورده رو بگریز میگذرانند سواره قراپاپاق آنها را  
تا هفت فرسخ تعاقب کرده سی و سه و چهل رهناسب گرفته مدحبت می کنند از فرار یک نوشته است  
هوای آن روز بسیار گرم و در بین راه آب نبود و الا یک از آنها را نیکداشتند جان بدر ببرند تا  
رشادت و جلالت عالیجا حسن خان در خاکهای جابون اعلیحضرت شامی خلد الله ملک و سلطان  
سختن و مقبول افتاده مواری یک قطعه نشان شیر و خورشید از مرتبه اول سرسنگی بانظام برشته  
حامل سفید که مخصوص آن مرتبه است در حق او رحمت و عنایت فرمودند (از فراری که در ثانی نوشته بود)  
روز شنبه ۲۷ ذی حجه الحرام بعد از ورود عا که منصوره بشهد مقدس نواب مستطاب مستطاب  
والی مملکت خراسان خبر میرسد که سواره یازدهم از ترکمانیه از آق در بند عبور کرده نواب معزی الیه  
عالیجا ان صفر علیجان سرتیب سواره شامون اینانکو و حسن خان سر کرده سواره قراپاپاق و محمد تقی خان سرکرد  
سواره شامون فشار را نامور فرموده اند که رفته در سنگ است جلوتر کمان باشند و از اردو هم که در کال  
یا قوی بودند عالیجا ان لطف اللجان سر کرده سواره دویرن محمود خان و ذوالفقار خان سر کرده  
سواره چشمه را نامور میکنند و عالیجا پرویز خان سرتیب سواره چهار دولی را با سواره خراسانی نامور  
عنایت آبادی نماید صبح چهارشنبه ۲۸ پانصد سواره از ترکمانیه آمده حلق را چایید قدری مال و اسب میرسد  
و در نظر از ان اسراستخلص شده خود را عالیجا صفر علیجان سرتیب میرسانند او هم بعضی شبنم با تعاقب سواره  
قراپاپاق و فشار است سرتر کمانان روان میشوند در آن طرف شور کال سواره ترکمانیه رسید در اول  
حمله آورده جمیع اسرا و آنچه آنها را گرفته سنگت میدهند و سواره ترکمان عرصه را بر خود تنگ دیده با  
روست عنایت آباد فراری میکنند و ان هم پنج شش فرسخ آنها را تعاقب کرده سواره دویرن و محمد  
خرقانی که در اینجا مستعد و آماده بوده اند میرسانند آنها هم سواره قراپاپاق و شامون ملحق شده میکارند

۲۲۷۲



گرم می کنند و آنها را امید و انتقام با سوار چهار دوی و در شبانی می رسانند اگر چه فوزه در دست کشندگان  
 آنها مشخص نبوده صراحت نوشته بودند لکن از قراریکه نوشته بودند از پانصد سوار ترکمان بقدر سی چهل نفر  
 جان بدر برده باقی قبیل و دستگیرها که حضرت با اثر کرده است نشان الله تعالی انما در روزنامه دیگر  
 نگارش خواهد یافت) (از قرار روزنامه اسلامبول که بزبان فرانسوا چاپ میزند و از روزنامه مزبور ترجمه  
 شده بعضی اولیای دولت علیه رسید بعد از آنکه سفرای اربعه دول فرانسه و روس و پروس و اوس و روس و دنیا  
 تکلیف نامه آخری خود را که عبارت از اولتیماتوم باشد با اولیای جدید دولت عثمانیه فرستادند و انما  
 انقضای شورای وزیران مقصطفی پاشا صدر اعظم جدید آن دولت بفرجواب دستمزد پس از وصول  
 آن جواب سفراء دول مذکور مجدداً و اکاذمی بان دارالشورای برترک مراد و دول اربعه فرستادند  
 در روز چهارم و پنجم و ششم یکی از سفیران فرانسه از سفارت دولت مذکور حکم شد که بزودی در  
 روبروی منزل سفارت حاضر و آماده حرکت باشد در ساعت ظهر همان روز کشتی بجل معین با کمال احتیاط  
 رسیدیم ساعت از ظهر گذشته بحسب حکم ایلچی فرانسه بیریق سفارت در ایشیک بیست یک تیرتوی  
 آورده در همان جن کشتی بیکبار با و از بندگفتند امیر طور سلامت باشد از چند دقیقه ایلچی فرانسه کشتی  
 سوار شده با لباس غیر رسمی بعبارت دلمه باغچه با اتفاق شرح اول سفارت بحضور سلطان فرستاد اگر چه سفیر  
 هیچ وجه فرود آوردن بیریق حالت رسمیه نداشت چون در مدت توقف مغزی الیه در اسلامبول  
 سلطان انواع و اقسام ملاحظت و عبرانی فرموده بود و سفیر فرانسواست که بحضور سلطان نرسیده و ا  
 هشتمان کرده از اسلامبول حرکت کند در ظهر همان روز سفیر سارو و نیایر بیریق خود را فرود آورده و سفیر  
 نیایر بیریق خود را در همان ساعت خوابانید چون در راه تعارف کویا علی روی داده بود بدین جهت در خوابان  
 بیریق سفارت روس یکروز تا خیر شد هر یک ازین سفیر بیلای خود که از اسلامبول مسافتی دارند  
 سفیر فرانسوا از اسلامبول کسیر بیلای سفیر روس رفت سفیران دولتین روس و فرانسه که بهم رسیدند  
 لوازم احترام را که عبارت از شلیک و کشیدن بیریق باشی داشتند آنچه علامات دولتی در سفارتها  
 اربعه بود هر چه ممکن بود حمل کنند و هر چه قابل حمل و نقل نبود محو کردند بیریق سفارت روس مهم  
 بیست و یک تیرتوی فرود آوردند در عابا و تجارت و امور تجارت دول اربعه در ضیبت سفرای مذکور بمأمور  
 سایر دول از تفراسپرده خواهد شد فرانسه بدولت اسپانول روس بدولت هولاند روس  
 بسویمال سارو نیامعلوم نیست که سپرده خواهد شد کویا سفیر دولت روس بپیمان برود سفیر  
 با عیال کسیر پاریس سفیر سارو نیایر بپیمان خواهد رفت

۲۲۷۲

چون هر سال در غره محرم که سرکار اعلیحضرت فوی شوکت شاهنشاهی خلد الله ملكه و سلطانة بیکه تعزیه  
 جناب سید الشهدا علیه الاف التحية و الثناء تشریف فرمایند بکلیتاً و شال ترمه که از جانب جناب  
 امجد ارفع صدر عظیم پانده از میگرد و بعد از برخواستن سرکار اقدس سنن ایون از مجلس تعزیه آن طاهر شال  
 سجد سگون بمقرب انخافان حاجی علیخان حاجب الدوله محنت بشود درین سال نیز بفرموده و در غره  
 محرم که بیکه نیب و روان تشریف بردند بکلیتاً و شال ترمه از جانب جناب صدر عظیم پانده از میگرد  
 بعد از برخواستن از مجلس تعزیه شال نیز بمقرب انخافان حاجب الدوله محنت (چون مقرب انخافان  
 میرزا محمد حسین دبیر الملک در انجام خدمات محوله سجد و شیه مساعی سگوره مرعی داشته محاسن  
 خدمت و جان شاری او مسواره در پیشگاه حضور مظهر ظهور اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی  
 خلد الله ملكه و سلطانة جلوه گر بود و در این ایام عاشورا که خدمت بیکه تعزیه داری و تعزیه حضور  
 بعمده اتمام او محول بود مراقبات کافی بعمل آورده نوعی در تدارک طرزات و انتظام امورات آن  
 اجتماع نمود که در خاکپای مبارک مقبول و مستحسن قفاده محض رحمت موازی یکشوب کجی تن مبارک  
 برسم خلعت برای مزید مفاخرت و امتداد داری او عنایت فرمودند **سایر ولایات**  
**آذربایجان** از قراریکه در روزنامه آذربایجان نوشته اند خلعت موهبتی است که با  
 نواب مستطاب شاهزاده فخرم و الایبارکن الدوله العلیه العالیه اردشیر میرزا حکمران مملکت آذربایجان  
 رحمت شده بود در بیستم ماه و پنجمه اشهرام پر تو وصول با شجا آکنده نواب مغزی الیه لوازم استقبال  
 و توقیر و احترام خلعت هایون را بعل آورده بقرار معمولی حکام آذربایجان با اعظم و اشرف آذربایجان  
 تبریز و سران و صاحب بصبان نظام و خوانین و غیره شخصلت پوشان حاضر آید خلعت هایون  
 شاهنشاهی را زین برود و شش اعتبار و افتخار خود ساختند و اهل شهر امروز کلاً بازار را دو کابین  
 سبب اهل تمام محلات برای تنبیت از صغیر و کبیر و صنایع و شریف شخصلت پوشان رفته مراسم  
 مبارکباد را بعل آوردند و مورد التفات نواب مغزی الیه گردیده بعد از اجرای لوازم خلعت پوشان  
 مراجعت مبارک خود نمودند (دیگر نوشته اند که در روز و نواب مستطاب شاهزاده فخرم  
 و الایبارکن الدوله العلیه العالیه بدار سلطنت تبریز التفات سرکار اقدس سنن ایون شاهنشاهی  
 دولت علییه را بجمع اهل مملکت آذربایجان خصوصاً مالی دار سلطنت تبریز گوش زد و خاطر نشان نمودند  
 یکی اهل مملکت آذربایجان ازین عنایت و التفات اظهار امتنان و شکر گذاری نموده صدای بکرانه و  
 دانسته به حال اقدس سنن ایون شاهنشاهی بلند کردند

هجدهم از قرار یک در روزنامه خسته نوشته اند مقرب الخاقان چراغعلی خان حاکم اقلابیت  
 بجهت دفع نزاع شامسون قهار خسته سلطانیه رفته عالیجاه میرزا ولنجان را بنیابت خود خسته  
 گذاشته است و عالیجاه پشارالیه در نظم ولایت و انجام خدمات دیوانی کمال مراقبت و اهتمام  
 بعمل می آورد و هر روز با مستوفیان اقلابیت در دیوانخانه نشسته بانو محاسبات و فیصل مهمات  
 میردازد و بعضی و داد رعایا عوررسی کامل نماید و هم چنین در نظم شهر و محلات قدغن اکیه بداره  
 و غیره نموده است که شبها در حفظ و حرمت محلات لازمه مراقبت را بعمل می آورد بعد از سه ساعت  
 شب بپرس در کوچی فانوس نزد نماید گرفته تا صبح نگاه میدارند و از وقتی که این قرار داده شده  
 سرت و شرارت کمتر اتفاق می افتد (دیگر نوشته اند قبل از رفتن مقرب الخاقان چراغعلی خان  
 سلطانیه خانه آقا حبیب با چرخه را شب دزد زده قریب چهار صد تومان اموال او را برده بود  
 خود عالیجاه پشارالیه در مقام نفیض و تحقیق بر آمده بود چیزی مسلم نشده عالیجاه میرزا ولنجان  
 سپرد که اموال مسروقه را پیدا نماید پشارالیه نیز بدرواز و جاهای دیگر سپرده و در خروج او  
 بود ماشینی بکاششکان خبر آوردند که اموال مسروقه را امشب دو نفر از وزدان با کرده بنجا علی خان  
 پسر نصر الله خان می برند فوراً همان شب چند نفر سوار با اتفاق مجدد رضا بیک نایب توپخانه و رسم بیک  
 بعقب آنها و ستاده در نزدیکی ارده تون که بکفر سخی شهر است بدزدان رسیده وزدان مالها را با  
 گذاشته خود فراری و در تاریکی شب متواری شده مانورین سچه طلبت لیل سواره بودند دزدان را پیدا  
 کنند اموال مسروقه را با همان دو باب که بار کرده بودند برگردانده نیز عالیجاه میرزا ولنجان آورد  
 شبانه آقا حبیب صاحب مال را اخبار و صبح در حضور جمعی از علما و اعیان اموال مسروقه را تمام بدون کسر  
 نقصان تسلیم او کرده و بعد فرستاده دزدان را نیز گرفته آورده اند و محبوس میباشند تا حکم آنها بشود  
**قرودین** از قرار یک در روزنامه قرودین نوشته اند امور اقلابیت قرودین منظم است و  
 کامیاب است بنزاده والا تبار عبد القدر میرزا حکم آن قرودین که سچه نصیر آب و هوا باب که کم رفته بود بدو  
 بشهر کرده اند مقرب الخاقان حاجی حسنعلی خان پیشکار قرودین بجهت رسیدگی امور دلمات خالصه و قرار  
 نظم و نسق اینجا جدیدت به بلوکات فقه عالیجاهان میرزا اسمعیل خان و عبد الباقی خان و بعضی  
 دیگر را نیز همراه برده در هر قریه و محل بار و محصولات را بدقت نموده و قرار ما بین مباشر  
 ضابط را بار عالی بطوری داده است که هر کس عمل خود را بداند و واضح باط و مباشرین نسبت بر عایا  
 ابحاف و زیادتی نشود و یکسان خود نیز قدغن کرده است که هیچ رسم و رسم از رعایا حبه و دینار

۲۲۷۵

سطل لبه کنند و حیره و علق را قبضه ایات و مقاطعه دیوانی بر عیاد داده دریافت می کنند و بنا  
 بر آن هر قسم لاکر با پ باشد حبه و دیناری از عیاد نیست و بکیر و قرار بدی و معاطفه بر قر  
 و محل را با اطلاع که خدایان در عیاد داده کب شب یاد و شب در آن محل توقف کرده و از اینجا محل  
 دیگر رفته از قرار یک نوشته اند کتل و مات خالص را بهین نقی سر کشی نموده و قرار امور رعایا را بطور  
 و لخواه آنها داده است که ضابطه و مباشرت دیناری بر عیاد زیاده ای نمی تواند بکنند و رعایا ازین بگذرد  
 کمالی آسمان و شکر گذار پر دانه عالیجا تقی خان نیز در عیاد مقرب انخافان مشارالیه در نظم شهر  
 و محلات و انجام خدمات حکمت دیوانی و مراقبت خدمت نوابک با شایسته هراده کمال اهتمام بر  
 داشته شبهار آنچه نظم شهر و محلات دو عمت و نیم از شب رفته با چند نفر از که خدایان و فرزند  
 و سرگرمه الی نصف شب در محلات گردش کرده بگزمه و قرار دل هر جا رسیدگی کرده کسی قدرت  
 سرقت و شرارت و حرکت خلاف ندارد و روزگار نیز بعد از مراجعت نواب هزاره از آب گرم  
 با عیان و غافل و که خدایان در عیادت باغ سلام نواب مغزی ایبه حاضر شده با انجام خدمت  
 و فرمایشات دیوانی و فیصل امور موجوده بخوبی سپردارند (دیگر نوشته اند که از پنجم ماه و پنجمه الی دهم  
 ماه منور در قزوین و بلوکات آن خصوصاً بلوک قاقران بادیه شدت متصل و زید و اواد  
 سردی شد یعنی که در راه ذغال یک نفر آدم و دوسه سرس لانخ از شدت برودت هواد و زید  
 بادیه هلاک شدند ولی از دوازدهم بعد هوا اعتدال بهم رسانده بادیه موقوف گردید  
**گردستان** از قرار یک در روزنامه گردستان نوشته اند در شیخان اورامان که  
 از مستققات گردستان است مراد علی نامی از مرده شیخ رسول خانهای در خانه شخصی همان شد  
 و اینجا بسر برده تعلق خاطر بر عروس آنخانه بهم رسانده و با عروس نموده و مواضع کرده بود  
 که این خانه را بموم نموده عروس را برده و فراموشی بدستاری عروس سم در میان مطبوخ ریخته  
 این آنخانه خورده کلام برض همک که قرار شده بفاصله یکروز چهار مرد وزن آن خانه هلاک گردیدند  
 مراد علی نام بعد از وقوع این حادثه از شدت خوف و واهمه عروس را بجا که است فراموشد اما  
 قریه جمع شده در مقام تقص و تحقیق این قضیه برآمدند کیفیت اجرا جاری عروس جاری کرد  
 او را گرفته حبس نمودند و از بقیه همان ستم که مراد علی نام با داده و در نزد او موجود بود در میان مطبوخ  
 کرده بخوردادند فوراً هاشم بهم خورده بعد از یکروز قدم در پی رفکان گذاشته راه قدیم  
 ولی مراد علی نام مقود است و هنوز بدست نیامده است

۲۲۷۶

## ۳ اخبار دول خارجی

گذارش مفیدین ایتالیا و فساد آنها در خاک ساردینیا و ناپولی در روزنامه مفید که نوشته نوشته شده است  
 روزنامه دیگر در این اوقات بیست و یک نفر از آن مفیدین در پاریس پای تخت فرانسه دستگیر شده  
 و ضمن تحقیق و سنجش احوال آنها معلوم شده است که اصل داده فسادها بنا بر آنکه اند و منظور از آن  
 خودشان پاریس قصد بلجیوم را کرده اند و معهود بوده اند که هر که ام در هر و لا  
 که مستعد بنای شورش و اغتشاش را بکند (بجهت رفع اینکوفت و است که است و است در این  
 ظهور میکند مقدماتی فروگشتی در تحت فرمانده جنرال لایز از جانب دولت انگلیس ایتالیا را  
 شده بود که مدتی در سواحل آنجا گردش نمایند از قرار که نوشته اند کشتیهای مزبور در این اوقات  
 داخل لنکرگاه فالپاری شده اند و نیز در باب وقوعات مذکور مفیدین ایتالیا شرحی که در روزنامه  
 رسمی ناپولی مندرج و از آن روزنامه ترجمه شده این است که در ۲۴ خرداد در ساعت ۱۰ یکشتی  
 آنجا بایستی رود و بوسیله سقط شدگی بلنکرگاه چون نضون داخل شده رئیس لنکرگاه بعضی از  
 خود کشتی مزبور رفت و او را گرفته در آنجا حبس و توقیف و در این اثنا بعضی اشخاص مسلح با زور و قمار  
 مزبور سوا شده و اول کرک رازده و سواهی این بعضی اشخاص مضره از برای خود بیدق مخصوصی کرده  
 بروی سایر قراولان هجوم آورده اند بجهت اینکه فوج عسکریه حوضون کم بود و این جنگ با آنها یکی  
 ضابطان متول و دیگری مجروح شده اند و مطلوبین رعس که آنجا محوط گردیدند از باب جرایم که در آنجا  
 بودند یا مفیدین متفق گردیدند اموال امانی التولایت را غصب و غارت کردند و اموال تجار را که در  
 بود و بیا نمودند و بیرون شهر نشین انداختند و متوجرا از آنجا حرکت کردند بجهت آنکه دفاع این مقدمی  
 از جانب حکومت دو قطعه کشتی جنگی و فوج دستم و یازدهم شش خاچه و از راه خشکی نیز مقدار کمی  
 از خاک کرد و لقی با آنجا فرستاده کشتیهای مأمورین کشتی مخالفین را با اسباب و اسلحه موجوده که  
 میان او بود ضبط حکومت کرده با مخالفین بعد از زد و خورد بسیار مخالفین را متفرق و پراشان  
 کردند و عساکر مرقومه شقیهای مزبوره را متعاقب کرده و عساکر خشکی نیز متعاقب مفیدین حرکت کرده  
 قریباً رفع و ازاله این حادثه بحسب صورت مأمول است) (جنرال کوپناک که در ایام جمهوری فرانسه  
 بر پاست جمهوری انتخاب شده بود بعد از استقلال سلطنت در فرانسه شارالیه چون مخالف قانون  
 دولتی بود از فرانسه تبعید و اخراج گردید و از آنوقت تا حال با دو نفر دیگر که هم عهد او بودند در دولت  
 اقامت داشتند در این اوقات از طرف امانی فرانسه با انتخاب داخل اعضای مجلس ملی فرانسه

و نیز ازین قبیل اشخاصی که از جانب امالی انتخاب شده اند موسیو پارس نام است که درین اوقات  
 بواسطه روزنامه های پاریس خودش بصفت اعضا بودن مجلس بالانتخاب نین شده با امالی اظهار تشکر نمود که  
 بجهت طرفداری جمهوری در این مجلس خود را تلف کرده بود و یکی از رفقای خود را نیز از امالی التماس نمود  
 که داخل اعضای مجلس ملی نمایند و آن شخص نیز بحسب التماس و از جمله اعضای مجلس ملی شده است  
 (پسر دویم اعلیحضرت پادشاه انگلستان در ضمن سیاحت و تحصیل فنون و معرفت مقدماتاً بالله خود بمالک  
 المانیا غنیمت کرده بودند در این اوقات پسر اول پادشاه انگلیس که ولیعهد اوست با خدمتکار خود <sup>تخصیص</sup>  
 بمالک مرقوم غنیمت کرده اند) (اعلیحضرت امپراطور روس با روزه خود بجهت رفیقان بجا میهای معدنی که  
 عبارت از آب گرم باشد غنیمت المانیا کرده بودند بموجب اخباری که این اوقات رسیده است  
 اعلیحضرت امپراطور مقدماتاً از پترزبورگ حرکت کرده و در پانزدهم ذی القعدة بشهر باد موصلت نمود  
 و بجهت تبریک سیاحت ایشان از جانب اعلیحضرت امپراطور فرانسه امور مخصوصی بانجا فرستاده شده  
 است) (سابقاً نوشته شده بود که اعلیحضرت امپراطور آستریه با روزه خود غنیمت سیاحت مجارستان کرده  
 بودند در اشای راه خبر فوت دختر اعلیحضرت امپراطور رسید باین سبب فتح آن غنیمت نموده بودند  
 معاونت کرده و از اقربای خود شخصی را و کانه نامور مجارستان کرده بودند بموجب اخباری که این  
 اوقات رسیده است در استوس آینه خود اعلیحضرت امپراطور غنیمت مجارستان را دارند و بنا  
 و کیلی که فرستاده بودند حکم کرده اند) (اعلیحضرت امپراطور روس درین سیاحت توابع اندون قسطنطین  
 برادر خود را و پترزبورگ قایم مقام تعیین نموده و جناب قوت لوندوف را نیز ستا رخص کرده اند  
 ) (در پاریس در این اوقات شخصی بیک شخص کچل منازعه کرده و درین منازعه کچل بودن او را بر پیش روزه  
 آن شخص کچل فی الحال معرفت پوس که عبارت از کلانتری باشد او را نیز ضابطی مثل خود کچل کشیده و کلاه  
 منازعه را با هزار سوز و کله از بیان کرده ضابط از آن شخص پرسید که تو باین مرد کچل گفته ای بعد از آن  
 ضابط حکم کرد که مشارالیه پانزده روز حبس بشد با آن شخص گفت حالمی که در کسی باشد اگر بگویند کن  
 تو خودت هم کچلی ضابطه مر بوزارین حرف معینتر شده پانزده روز دیگر حبس او علاوه کرده آن  
 شخص گفته بود شکر خدا را که دو کچل بیشتر در اینجا نیست اگر چند نفر کچل دیگر در اینجا بودند البته حبس  
 مدتی طول می کشید حال بد و کچل گفتن و بیکاه در حبس بودن راضی هستم و ممنوناً داخل محبس شده  
 بود) (بجهت تحصیل زبان و فنون و دیدن مصارفات واقعه خود در این اوقات بمأمورین کبریه دولت روس ازجا  
 وکیل عربیه دولت منورر حضرت غنیمت پاریس داده شده است